

کنجدهای - دکتر کامپی - سید علی بیبهاتی - پالیزی.

۶- چون در قانون ملی شدن صنعت نفت «تمام کشوره مورد بحث بوده است، چند سطرى در مورد قرارداد نفت شمال «نفت خوریان» که بعداً به دست روسها افتاد اشاره می‌کند.

در سال ۱۲۹۷ قمری «۱۸۷۷ میلادی» ناصرالدین شاه برای بهره‌برداری از معادن منطقه‌ای از سمنان تا خرامان «که بعداً یطحاوی تاخیر تادیه مال‌الاجاره فرمان از اختیار وی خارج شد و توسط «خشتاریا» به ثبت رسید و در ۱۳۰۴ شرکت خوریان تشکیل شد که ۶۵ درصد سهام آن در دست بانک روس «بیمتاسیت مطالباتش» و بقیه خشتاریا بوده بدین طریق روسها در نفت خوریان سهیم شدند. از آنجا که این شرکت موفق به بهره‌برداری نگردید با ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور این قرارداد نیز لغو گردید.

۷- آخرین قرارداد نفتی پس از «قانون ملی شدن صنعت نفت» قرارداد نفتی موسوم به «امینی - پیچ» که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دوران حکومتزاهدی، در تاریخ روز مدهشبه می‌ام شهری‌مازماه ۱۳۳۳ بمجلس دوره‌ی هیجدهم تسلیم و به تصویب رسید و این قرارداد تا قبل از دوران انقلاب ملک عمل در طرف قرارداد بوده است. ظاهراً در اواخر رژیم گذشته مذاکراتی برای عقد قرارداد تازه‌ای محرمانه در جریان بود که عقیم مانده.

این یوه خلاصه‌ای از وقایع ملی شدن صنعت نفت در اسفند ماه ۱۳۲۹

(بخش پنجم)

## تشکیل جبهه ملی

در دوره‌ی پانزدهم قانونگذاری پارچودیکه اکثریت مجلس در دست دربار و ارتش بود، لایحه‌ی الحاقی نفت و گس - گلشائیان، در مجلس شورایملی با هوشیاری اقلیت که از پشتیبانی معنوی دکتر محمد مصدق برخوردار بودند رد شد.

بهمین مناسبت دولت و دربار و ارتش تصمیم بر آن گرفتند که انتخابات دوره‌ی شانزدهم را بطور یکدمت بشفط طرفداران خود بپایان برسانند، در نتیجه آثار دخالت در انتخابات و ریختن آراء قلبی در صندوقها بنحو چشمگیری نمایان شد. بهمین لحاظ روز هیجدهم مهرماه ۱۳۲۸ عده‌ای از شخصیت‌های سیاسی طرفدار دکتر مصدق و روزنامه‌نگاران در خانه‌ی مصدق گرد هم آمدند تا در زمینه‌ی دخالت‌های دولت در انتخابات مذاکراتی انجام داده و تصمیمی دسته‌جمعی اتخاذ کنند. در حقیقت موجودیت جبهه ملی که هنوز هم نامش بر سر زبانهاست، از آنروز در خانه‌ی دکتر مصدق آغاز شد. شادروان دکتر مصدق در این باره خود چنین می‌گوید:

«منه می‌دانید که جبهه ملی روزی تشکیل شد که عده‌ای از مردم این شهر به دعوت من در جلوی دربار حاضر شدند و چون دربار نمی‌توانست تمام آن عده را پذیرا شود، قرار شد که بیست نفر در دربار پذیرفته شوند. در خیابان بیست نفری برای رفتن به دربار تعیین شدند و این ۲۰ نفر عضو جبهه‌ی ملی شدند و جبهه‌ی ملی به‌این نحو تشکیل شد.»

## از خاطرات نویسنده:

در آرزوی دکتر فاطمی و اینجانب در کنار دیگر دوستان و در معیت دکتر مصدق پسری دربار (بطرف سردر سنگی) پناه افتادیم. جمعیتی عظیم این گروه را دنبال می‌کرد. (عبدالحسین هژیر) وزیر دربار وقت که به زیرکی و شیطنت مشهور بود، همین که از ماجرا اطلاع حاصل کرد پیشدستی نموده به اتفاق چند تن از درباریان و محافظان از کاخ بیرون آمده و در پنجاه قدمی به دکتر مصدق و دیگران که پیشاپیش حرکت می‌کردند برخورد کرد.

دکتر مصدق با دیدن (هژیر) با حالتی عصبانی و بسیار هیجان‌زده بدون آنکه سلام و احوالپرسی کند، یا صدای بلند و مصیبتی در حالیکه با نوك انگشتان دست راست خود به سینه‌ی (هژیر) می‌گویی گفت: عبدالحسین خان آیا این انتصابات آزاد است، آیا تو شرف داری... این جملات را دکتر مصدق دو بار تکرار کرد، (هژیر) چون می‌دانست توضیح و یا جوابگویی در آن محیط عصبانی و خشمگین خطرناک است، از جواب دادن طفره رفت و تقاضا کرد چون برای پذیرائی همه آقایان جفا در دربار نیست، عددی چند نظری انتخاب شوند تا امکان پذیرائی فراهم باشد، بدین طریق نوزده نفر آقایان زیر انتخاب شدند که در حقیقت می‌توان ایشان را هسته‌ی اصلی جبهه ملی دانست.

۱- دکتر محمد مصدق ۲- دکتر حسین فاطمی مدیر روزنامه یاختر امروز ۳- دکتر شایگان ۴- دکتر منجابی ۵- آیتاله هروی ۶- یوسف مشا ۷- دکتر مظفر یقاتی ۸- دکتر گاوایانی ۹- حائری‌زاده ۱۰- ارسلان خلعتبری ۱۱- شمس‌الدین امیر علائی ۱۲- محمود نریمان ۱۳- حسین مکی ۱۴- عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام ۱۵- جلالی نائینی مدیر روزنامه کشور ۱۶- مهیندس زیرک‌زاده ۱۷- احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره ۱۸- عبدالقدیر آزاد، مدیر روزنامه‌ی آزاد ۱۹- عمیدی نوری مدیر روزنامه داد.

متعصمین چون از تحمّن خود نتیجه‌ای نگرفتند، دکتر مصدق و یارانش از تحمّن خارج شدند، بهنگام خروج از در، دکتر مصدق بیکی از روسای دربار که جلوی در ایستاده بود گفت: انشاءالله دوره‌ی هفتم خدمت آقایان می‌رویم.

نکته‌ی جالب آنکه، در همان دوره‌ی هفتم بود که (دکتر محمد مصدق) مرد مقتدر شماره‌ی یک ایران شد.

## آغاز نهضت جبهه‌ی ملی ایران تا مرداد ماه ۱۳۳۲

اعتراض دستجمعی مردم تهران به انتخابات فرمایشی و حرکت

### سران نهضت و تحصن

پس از انتخابات دوره پانزدهم که یکمده از افراد برگزیده رژیم و بدون حمایت مردم سر از صندوق بدر آوردند، تا لایحه قرارداد الحاقی نفت (کس - گلنایان) را تصویب برسانند و هم مجلس مؤسسان فرمایشی اختیار انحلال مجلسین را به شاه بدهد، تا صحنه سیاست از آزادیخواهان و رجال ملی خالی گردد.

در آغاز انتخابات دوره شانزدهم که (هژیر) وزیر دربار بود، بدستور شاه تصمیم گرفت انتخابات آن دوره را رأیاً زیر نظارت دربار بگیرد، تا افرادی غیرمردمی برای حمایت از تصمیمات غیرقانونی شاه و تصویب لایحه نفت به مجلس راه یابند.

نخستین حرکت نهضت ملیون در گردهمایی که سرانجام منجر به تشکیل جبهه ملی و تسخیر سنگرهای پارلمانی و حکومت ملی دکتر مصدق گردید در بامداد روز چهارشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۲۸ آغاز شد. در ساعت ۸ صبح عده‌ای از مدیران جرارید و خبرنگاران در خانه دکتر مصدق حضور یافتند، در میان ایشان نمایندگان اقلیت دوره پانزدهم مجلس آقایان، حائری‌زاده، مکی، دکتر یقانی، آزاد حضور داشتند. که این دعوت از طرف ایشان انجام گرفته بود. در ساعت ۹ بامداد که خانه مملو از جمعیت شده بود نخست آقای عباس خلیلی مدیر روزنامه اقدام با سخنرانی تند و آتشینی این جلسه را گشود، وی افزود، هر ملتی وجودش به رجال صالح و دلسوز و لایق بستگی دارد، امروز دکتر مصدق مظهر منت ایران و مورد احترام عمومی است، خوشبختانه آقای دکتر مصدق بارها فداکاری خود را نشان داده‌اند.

ما مجلس آزاد می‌خواهیم. ما آزادی را طالبیم، ما مجلسی می‌خواهیم که دست نشانده ملت باشد و ملت بر او حکومت کند نه دیگری... سپس حسین مکی نماینده اقلیت گفت: باینجهت من و همکاران اقلیت از جناب آقای دکتر مصدق استدعا کردیم نشر خود را درباره انتخابات ملی مصاحبه‌ای بیان نمایند. سپس دکتر مصدق سخن را چنین آغاز کرد:

«از اینکه دعوت نمایندگان اقلیت پانزدهم را قبول کردید و مرا که چند سال است از صحنه سیاست دور و آنرا را پیشه خود قرار داده‌ام سرافراز فرموده‌اید سپاسگزارم. من چقدر بغود یالم و چه اندازه خوشوقت باشم که پس از مدتی محرومیت امروز افتخار پذیرائی شما را دارم، من شما ارباب مطبوعات را بهترین مدافع وطن عزیز می‌دانم و یقین دارم که هیچ فرد خیرخواهی خدماتیکه شما به آزادی کرده‌اید انکار نمی‌کند. پیشرفت و ترقی هر جامعه بسته به حیات مطبوعات دارد. آنهاییکه با مطبوعات بدند و نشر خوب ندارند دشمن مردم و جامعه‌اند، این مطبوعات است که جلوی تجاوز و تعدی

را می‌گیرد و این مطبوعات است که با فول ارتجاع مبارزه می‌کنند، مطبوعات و آزادی لازم و ملزوم یکدیگرند، پس بر هر کسی فرض است توفیق شما را برای خدمت به میهن بخواهد.»

سپس دکتر مصدق درباره تشکیل مجلس مؤسسان گفت: «تزلزل و کلای دوره پانزدهم بخاطر پایان گرفتن دوره برای پیشرفت مقصود چنین بنظر می‌رسید که در قانون اساسی تجدید نظر کنند که هر وقت شاه خواست مجلس را بتواند متعل نماید و با حربه انحلال همیشه نمایندگان را تجدید کند تا هرچه لازم دارند وگلا تصویب نمایند.» دکتر مصدق پس از توضیحات مفصلی بر رد مصوبات مجلس مؤسسان در اعمالی اختیارات انحلال مجلسین بشاه. سپس دکتر بقائی دربارهی لزوم آزادی مطبوعات و انتخاباتی بیاناتی ایراد کرد. موضوع سخنان شرکت‌کنندگان رد مصوبه‌ی مجلس مؤسسان مبنی بر دادن اختیارات انحلال مجلسین بشاه و تنظیم قانون مطبوعات و تغییر آئین‌نامه مجلس و سنا و رعایت مطبوعات بود. جلسه مذکور نزدیک ظهر پایان یافت.

### انتخاب هیئت ۷ نفره جهت نظارت در انتخابات دوره شانزدهم قانونگذاری

دوشنبه ۱۸ مهر ۱۳۲۸

ساعت ۵-۱۰ صبح عده کثیری از خبرنگاران و مدیران جراید و نمایندگان اقلیت پانزدهم در خانه دکتر مصدق اجتماع کردند. ابتدا حسین مکی درباره‌ی نحوه‌ی انتخاباتی بیاناتی ایراد کرد سپس دکتر مصدق اظهار داشتند طی چند روز اخیر شکایات فراوانی از دخالتها و تقلب در انتخابات تهران و شهرستانها بدستم رسیده است حاکی از دخالت دولت در امر انتخابات است. سپس دکتر حسین فاطمی مدیر باختر امروز و عمیدی نوری مدیر داد و احمد ملکی مدیر شماره در تجلیل از دکتر مصدق و ضرورت انتخابات آزاد سخن گفتند.

در این جلسه صحبت شد عده‌ای برای مخالفت با دخالت دولت در انتخابات برای تحصن به حضرت عبدالعظیم بروند سپس پدنبال بیانات آقای دکتر مصدق و چند تن دیگر قرار شد يك هیئت هفت نفری برای جلوگیری از تجاوزات دولت در امر انتخابات انتخاب شوند. با اخذ رای از حاضرین: آقای دکتر مصدق، دکتر بقائی - دکتر فاطمی - عباس خلیلی - حسین مکی - احمد ملکی - عمیدی نوری بعنوان کمیته هفت نفره برای جلوگیری از تجاوزات در انتخابات برگزیده شدند که دکتر مصدق به‌عنوان کسالت از قبول مسئولیت دائم در این کمیسیون عذر خواست. دکتر بقائی هم از شرکت در جلسات عذر خواست در نتیجه آقایان سهندس زیرک‌زاده و جلالی نائیتی بجای ایشان انتخاب شدند.

در این لحظات که جلسه پایان می‌گرفت گروهی زیاد از جوانان (تاج گل بزرگی) برای اهداء به دکتر مصدق آوردند که روی آن چنین نوشته شده بود: (پاس خدمات

فراموش تشدنی یگانه رادمرد مبارزه راه آزادی این تاج گل از طرف جمعیت مبارز بحضور دکتر مصدق تقدیم می‌شود.)

پس از چند سخنرانی آن جلسه در ساعت ۱۵ بعد از ظهر پایان یافت و جمعیت متفرق شد.

روز پنجشنبه ۲۶ مهر ماه دکتر مصدق متن گزارش هیئت ۷ نفره را مبنی بر مداخلات مأموران دولتی در امر انتخابات و پیشنهاد تعصن اعتراض به انتخابات فاسد موجود در اختیار مطبوعات قرار دادند. دکتر مصدق در اعلامیه خود اعلام داشتند: «بمنظور اعتراض به انتخابات دربار، روز جمعه ۲۲ مهرماه در ساعت ۱۰ صبح جلو سردر سنگی حضور خواهند یافت. در صورتیکه دربار جلوی معترضین را بمنظور تعصن توسط قوای انتظامی بگیرد، ما مصمم هستیم بطور دسته‌جمعی برای تعصن به (مسجد مجید) حرکت کنیم.»

### آغاز تعصن

صبح روز جمعه ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ ده دسته مردم تهران از روحانیون، روشنفکران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و اصناف در خیابان کاخ اجتماع گردیدند. نکته‌ی جالب آنکه نمایندگان از مردم شهرستان: بروجرد، سراب، تائین، بسپان، آباده، قوچان و خرمشهر برای شرکت در این اعتراض در آنروز حضور یافتند. نخست هیئت ۷ نفره لزوم آرامش و رعایت نظم را به حضار یادآور شدند.

در ساعت ده صبح دکتر مصدق در حالیکه عده‌ای از رجال، محترمین، علماء و روزنامه‌نگاران در حالیکه گروه زیادی از دانشجویان ایشان را بدرقه می‌کردند بسوی سردر سنگی کاخ برآه افتادند. در این لحظات مرتاسر خیابان کاخ را پلیس و دژبان محافظت می‌کرد. در این لحظه یک بلندگو در جلو حضار را به رعایت نظم و آرامش دعوت می‌کرد.

در صف جلو دکتر مصدق و آیت‌الله غروی حرکت می‌کردند. در این میان شخصی از میان جمعیت ناکپان فریاد برآورد (مصدق باید شاه شود!) معلوم گردید که توطئه‌گران در نظر دارند یا اینگونه شعارها این نهضت را متلاشی سازند. در همان لحظه همه زبان به اعتراض گشودند. عمیدی نوری مدیر روزنامه داد دمی بشانه‌ی وی زد فریاد برآورد خفه شو!... در نتیجه جمعیت او را از خود دور ساختند. در آن ساعات مرتاسر خیابان کاخ را پلیس و دژبان محافظت می‌کردند.

در آن لحظات سرهنگ سیاسی از طرف رئیس شهربانی (مرتیب عقاری) نزد دکتر مصدق آمد و اظهار داشت که رئیس شهربانی پینام داده‌اند عده‌ای ماجراجو قصد دارند که در میان اجتماع شما اختلالاتی بوجود آورند. دکتر مصدق قاطعاً بوی گفت: به رئیس شهربانی بگوئید که یاران من برای اعتراض به نحوه‌ی انتخابات می‌خواهند

در دربار متحصن شوند، شمار آنها جز حفظ سکون و آرامش و انجام تقاضایشان نیست. سپس سردانک شفقت (ارتشبد و وزیر جنگ بعدی) فرمانده گارد سلطنتی با ادای احترام به آقای دکتر مصدق گفت ورود شما به کاخ بلامانع است. دکتر مصدق در جواب گفت: همراهان من چگونه؟ سرهنگ در پاسخ گفت بسته به اجازه اعلیحضرت همایونی است. در این هنگام دکتر مصدق نامه سرگشاده‌ای را که پشاه نوشته بود به سرهنگ شفقت دادند، سرهنگ شفقت نامه را گرفت و بکاخ رفت.

در این لحظات جمعیت در به از زیاد گذاردند و می‌خوردند. مقارن ساعت ده و نیم هژیر وزیر دربار که دخترش در همان‌جا بود به وسط خیابان آمد و به آقای دکتر مصدق اظهار داشت متن فرموده اعلیحضرت همایونی را برای اینکه تحریف نشود نوشته‌ام که بعرض شما برسانم:

«سپس اظهارات شاه را دائر بر اینکه: «انتخابات آزاد است، معالوصف هرگونه شکایتی باشد رسیدگی خواهم کرد، و تحصن برای آقایان بلامانع است.»

همینکه پیام شاه تمام شد، دکتر مصدق از شنیدن این وعده دروغ بیخشم درآمد، در حالیکه دست راست خود را به سینه‌ی هژیر می‌کوبید با نهن اعتراض آمیزی گفت: عبدالحسین خان تو شرف داری؟ آیا این انتخابات آزاد است؟ تو به شرافت خود قسم بخور که انتخابات آزاد است، من از همینجا برمی‌گردم. سپس اشاره به خانه شاه کرده و گفت: اینجا خانه ملت است. اینجا مال ملت است، این کاخ دسترنج ملت است. شاه باید همه ما را به خانه خود راه بدهد. (در اینجا باید اضافه کنم که تمامی این گفتگوها در حضور اینجانب و چند تن از دوستان که در اطراف شاهد بودیم انجام گرفت) هژیر در برابر این اعتراضات تند دکتر مصدق سکوت کرد و حرفی نزد، فقط در مورد تحصن (هژیر) جواب داد برای همه جا نمی‌شود. سپس دکتر مصدق بواسطت یکی از آقایان حاضر شدند باتفاق ۲۰ نفر تحصن اختیار کنند، (هژیر) برای کسب تکلیف بکاخ بازگشت و پس از لحظاتی برگشت و گفت: تحصن بیست نفر بلامانع است. در این موقع دکتر مصدق در پشت میکروفون خطاب به جمعیت اظهار داشتند:

«یران عزیز من، فرزندان غیور ایران، شما نشان دادید که علیه ظلم و پیدادگری ایستادگی می‌کنید بار دیگر یک ورق درخشان بر صفحه مبارزات جوانان ایران افزودید، ما به تحصن می‌رویم تا حق شما را بگیریم و از قانون شکنی‌ها جلوگیری کنیم، هموطنان همانطوریکه گفتم شعار ما و سلوک ما آرامش و متانت است، آنهاییکه ما را ماجراجو می‌خوانندند چرا نمی‌آیند سیل احساسات پاک شما را ببینند، بهر حال ما پناهنده می‌شویم و امیدواریم رؤسقا بازگردیم.»

در این موقع دکتر شایگان آن لیست بیست نفره را بشروح زیر در اختیار وزیر دربار داد:

۱- دکتر محمد مصدق ۲- آیت‌الله غروی ۳- اللهبیار صالح ۴- دکتر حسین

فاطمی مدیر روزنامه یاختر ۵- شمس‌الدین امیر علائی ۶- دکتر شمس‌الدین جزایری ۷- محمود نریمان ۸- مهندس زیرک‌زاده ۹- امیر تیمور کلالی ۱۰- ارسلان خلعتبری ۱۱- یوسف مشار ۱۲- دکتر سنجایی ۱۳- دکتر رضا کاویانی ۱۴- دکتر مظفر بقائی ۱۵- دکتر شایگان ۱۶- عباس خلیلی مدیر اقدام ۱۷- احمد ملکی مدیر ستاره ۱۸- عمیدی نوری مدیر داد ۱۹- جلالی نائینی مدیر کشور ۲۰- عبدالقادر آزاد مدیر آزاد این عده که همگی در آنجا حضور داشتند باتفاق دکتر مصدق وارد کاخ شدند و تحصن آغاز شد. دیگر مردم که مده‌شان بالغ بر چند هزار نفر می‌شد در بیرون کاخ ماندند، تا آنکه رئیس گارد و رئیس شهرستانی آمدند از مردم با بلندگو صحبت کرده و از ایشان خواستند که به خانه‌های خود بازگردند تا نتیجه تحصن به اطلاع آنها برسد. از آن عده، گروه زیادی متفرق شدند، اما تعدادی از ایشان شب را در خیابان بدر بردند.

پس از تحصن بلافاصله دکتر مصدق طی اعلامیه‌ای که در مطبوعات منتشر شد از هموطنان خود سپاسگزاری کرد. بدنبال تحصن منتخبین به دربار، از سراسر کشور سیل تلگراف و نامه از پشتیبانی متحصنین به تهران، جراهد، مجلس، دربار و مقامات دیگر سرازیر شد که باز دیگر دکتر مصدق از ابراز احساسات هموطنان سپاسگزاری نمود. در نخستین روز تحصن، موافقت شد مقرراتی نوشته شود که برنامه مبارزات متحصنین را شامل گردد و پس از تصویب در مطبوعات انتشار یابد.

در تمام مدت تحصن (هژیر) وزیر دربار به میان متحصنین می‌آمد و بحثهای فراوان روی آزادی انتخابات - آزادی مطبوعات می‌شد. در همان ایام دکتر اقبال وزیر کشور به متحصنین اطلاع داد که دولت در انتخابات مداخله‌ای ندارد، اگر در قانون انتخابات نقصی هست باید مجلس شورای ملی آنرا اصلاح کند. در همانروز تحصن شاه برای آنکه از روبرو شدن با متحصنین خودداری نکند، پیهاته بازی لاسکی بد لشکرک رفت و تا پایان تحصن به تهران نیامد.

### پایان تحصن

متحصنین که ظهر روز جمعه تحصن اختیار کردند، پس از روز شنبه و یکشنبه از آنجا دو نتیجه‌ی قطعی از تحصن بدست نیاوردند، ظهر روز دوشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۳۲۸ در کاخ شاه از خوردن غذا خودداری و اعلام کردند، این احتساب غذا تا دریافت پاسخ سریع به تقاضا ادامه دارد.

روز شنبه ۲۶ مهرماه ۱۳۲۸ چهل دقیقه بعد از ظهر تحصن با صدور اعلامیه‌ای پایان یافت. خلاصه اعلامیه بشرح زیر است:

«ملت ایران، در این موقع که پس از چهار شبانه‌روز تحصن از دربار خارج می‌شویم لازم دانستیم علل و جهات این تصمیم را به اطلاع عموم برسانیم: ملت ایران برای‌العین می‌بیند که اکثریت عمال حکومت از هیچگونه دروغ در هیچ جا ایام ندارند،



در مصاحبه‌های مطبوعاتی دروغ می‌گویند، در رادیو دروغ می‌گویند، پشت تریبون مجلس راست نمی‌گویند و خلاصه هر جا منافع آنها اقتضا کند دروغ می‌گویند...  
 زیرا خرابی اوضاع مملکت ما ناشی از فساد و غرض‌رانی و خودپرستی است و راه اصلاح آن انتخابات آزاد است، موضوعی که بیش از همه ملیون ایران را نگران ساخته است که می‌خواهند گران‌بهاترین ذخایر ایران یعنی نفت را برایگان ببرند...  
 با وجودیکه شکایت مردم ایران را از دخالت دولت در انتخابات به اعلیحضرت دادیم، برای دریافت جواب خود چهار روز یا کمال بی‌صبری در انتظار بسر بردیم، بدبختانه روز چهارم معلوم شد به مستدعیات ملت ایران توجیهی نمی‌شود ما نیز که جز ابلاغ خواسته مردم در اینجا وظیفه‌ای نداشتیم ادامهٔ تعصن را بیسوده دانسته از دربار خارج شدیم و بعموم افراد ملت ستم‌دیده ایران بدین وسیله اعلام می‌داریم که انتخابات ایران غیرقانونی و آزادی انتخابات حرفی بی‌اساس است. ملت ایران بی‌سبب و بی‌مورد مجلسی را که فساد انتخابات آن بر همه مسلم است مظهر افکار خود نمی‌داند و بنابراین هر تصمیمی که دربارهٔ قضایای حیاتی این مملکت گرفته شود مطلقاً و ابتدأ تصمیم ملت ایران نیست. امضای ۱۹ نفر از متحصنین.

#### نام (جیب‌های ملی) به پیشنهاد دکتر فاطمی تصویب رسید

نام (جیب‌های ملی) که مبتکر و پیشنهاد کننده‌اش دکتر حسین فاطمی بوده و در روزنامه‌های خود برای نخستین بار عنوان ساخته بود بر اساس اظهارات و نوشته‌ی (احمد ملکی) مدیر ستاره که عضو جیب‌های ملی بود چنین پیشنهاد گردیده و مورد تصویب قرار گرفته.

... پس از تردد هژیر حکومت نظامی وقت دکتر مصدق را به احمدآباد فرستاد و تحت نظر پلیس تأمینات تبعید نمود و فعالیت انتخاباتی ما متوقف گردید...  
 و دکتر مصدق آروز از اعضای مؤسس جیب‌های ملی که هنوز به (متحصنین دربار) موسوم بودند پذیرائی مجلل و بی‌سابقه‌ای در احمدآباد به نامار بعمل آورد، بهر حال در آروز که فرست هم زیاد بود، یکی از جلسات طولانی تشکیل گردید و مخصوصاً دکتر فاطمی در ضمن نطق موثری اظهار داشت: اکنون که فوائد کار دستجمعی بر عموم رفقا روشن گردید و قدرت نفوذ اتحاد و وحدت بر همه معلوم گردید، چه خوب است این عده برای انجام کارهای مهم سیاسی و مملکتی دست به دست هم داده بنام «جیب‌های ملی» تحت نظم و دیسیپلین خاصی شروع به مبارزه برای پیشرفت اهداف مختلف ملی نمائیم.»

این پیشنهاد مورد بحث و تفسیر قرار گرفت و پس از توضیحاتی که از طرف عموم داده شد به اتفاق آراء تصویب شد و با این ترتیب نام «جیب‌های ملی» هم در احمدآباد معین و مورد تصویب قرار گرفت و سپس متاخره در اطراف خط مشی جیب‌های ملی بعمل آمد. (نقل از کتاب «تاریخچه جیب‌های ملی» نوشته احمد ملکی ص ۵۶)

از همان روز روزنامه باختر امروز بعنوان (ارگان جبهه ملی ایران) معرفی گردید. در نخستین جلسات مقرر شد که آئین نامه و مقررات عضویت جبهه ملی از طرف کمیسیون تدوین گردد.

روز سه شنبه پس از ترك تحصن اعضاء جبهه ملی به اتفاق به خانه دکتر مصدق رفتند.

در همانجا اساسنامه جبهه ملی که سه رکن اصلی آن (انتخابات آزاد - آزادی مطبوعات - اصلاح قانون حکومت نظامی) بود تشکیل داد.

کمیسیون مرکب از: دکتر شایگان - دکتر منجایی - محمود نریمان - امیر علائی - مشار اعظم بمنظور تهیه اساسنامه و آئین نامه مربوط به (جبهه ملی) انتخاب شدند.

پس از آنکه این کمیسیون اساسنامه را آماده ساخته و بتصویب اعضاء جبهه ملی رسانیدند، در مطبوعات اعلام گردید که مواد مهم آن بشرح زیر است:

۱- ماده يك - جبهه ملی از هیئت مؤسسين و دستجات مختلف ملی که طرفدار تأمین عدالت اجتماعی و حفظ قانون اساسی هستند تشکیل می شود.

ماده ۲- مؤسسين اولیه هیئت مدیره جبهه ملی را تشکیل می دهند و دستجات ملی هر يك نماینده ای تعیین می نمایند که از اجتماع آنها با هیئت مدیره (شورای جبهه ملی) تشکیل می شود و لدى الاقتضام نمایندگان مختلف شهرستانها که اعتبارنامه آن را هیئت مدیره تصویب کرده باشد در شورا شرکت می کنند.

ماده ۳- هدف جبهه ایجاد حکومت ملی بوسیله تأمین آزادی انتخابات و آزادی افکار است.

ماده ۴- هیچ فردی نمی تواند مستقیماً عضو جبهه ملی بشود و عضویت افراد در جبهه ملی مشروط بر اینست که عضو جمعیتی باشند که آن جمعیت سمت و پستی به جبهه ملی را تحصیل کرده باشند.



روز اول آبانماه ۱۳۲۸ در يك جلسه سه ساعته در خانه دکتر مصدق اعضاء جبهه ملی آئین نامه ها را تصویب کرد و تصمیمات دیگری برای حفظ صندوقهای تهران و توجه به شکایات انتخاباتی شهرستانها تنظیم اعتراض به اعمال خلاف قانون شعبه های فرعی تهران اتخاذ گردید.

### کمیسیون تبلیغات جبهه ملی

کمیسیون تبلیغات جبهه ملی مرکب از مدیران جراید وابسته به جبهه شامل: آقایان دکتر حسین قاضی، عباس خلیلی، دکتر مظفر بقائی، حسن صدر، احمد ملکی، جلالی نائیتی، زیرک زاده و عمیدی نوری تعیین گردید که بلافاصله این کمیسیون شروع بکار کرد.

## آئین‌نامه جبهه ملی

۱- ماده ۱- دبیرخانه جبهه ملی از سه نفر دبیر جبهه، خزانه‌دار و یک نفر عضو که با اکثریت آراء از میان هیئت مدیره جبهه ملی برای مدت یکسال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود.

ماده ۲- شورای جبهه ملی به ترتیب زیر تشکیل می‌شود: ائمه: اعضاء هیئت مدیره جبهه به نمایندگان دستجات وابسته برای هر جمعیتی که تا یکصد نفر عضو دارد یک نفر و از یکصد تا یک هزار نفر دو نماینده و از هزار نفر به بالا پنج نفر تعیین می‌گردند و این انتخابات برای مدت یکسال است.

ج- رئیس و نایب رئیس شورا با رأی مخفی به اکثریت آراء حضار برای مدت یکسال انتخاب می‌شوند.

ماده ۳- جبهه ملی دارای یک هیئت بازرسی خواهد بود.

پنج تقاضای سران جبهه ملی

مآزمان جبهه ملی در تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۲۸ خواسته‌های خود را پس از یک سلسله جلسات متوالی در حضور دکتر مصدق بشرکت تمامی ۲۱ نفر اعضای جبهه ملی در پنج ماده بشرح زیر در روزنامه‌های خود اعلام داشت:

۱- مخالفت با قرارداد الحاقی نفت (گس - گلشائیان) و حفظ و حراست آزادی فردی و اجتماعی.

۲- اصلاح قانون انتخابات، تا اینکه نمایندگان حقیقی ملت ایران وارد مجلس شورای ملی شوند.

۳- تجدید نظر در قانون مطبوعات تا جراید بتوانند وزیران و رجال خائن را به جامعه معرفی کنند و دولت هم نتواند قبیل از محاکمه‌ی روزنامه‌نگاران، آنها را توقیف و مدیر آنها زندانی کند و ضرب و جرح بر آنها وارد سازد.

۴- تجدید نظر و اصلاح قانون حکومت نظامی - تا دیگر دولت‌ها با این حربه، هر روز مخالفان خود را تهدید کنند، و اگر کسی زبان به انتقاد گشود او را بدون محاکمه ماعها و سالها بازداشت نمایند.

۵- لغو تفسیر اصل ۴۸ قانون اساسی - تا وکلاء بتوانند آزادانه اظهار نظر کنند و مجلس در معرض تعطیل و انحلال قرار نگیرد.

## روزنامه حزب توده بنام (مردم) به جبهه ملی ناسزا می‌گوید.

روز یکشنبه اول آبانماه ۱۳۲۸ روزنامه مخفی (مردم) ارگان حزب توده که مخفیانه چاپ و توزیع می‌شود، سخت به آزادیخواهان و متعصبین ناسزا گشت. این چهارمین شماره‌ی روزنامه‌ی (مردم) است که مخفیانه چاپ و توزیع می‌شود و جبهه‌ی

ملی را شدیداً بیاد ناسزا می‌گیرد.

### خلاصه‌ای از متن لایحه‌ی قرارداد الحاقی نفت (گس - گلشانیان)

پس از مخالفت و کثرت مصدق در دوره‌ی چهاردهم و تحریم اعطاء امتیاز نفت و اشتراک‌ریمانی که در باره‌ی وزارت شرکت نفت انگلیس صورت گرفته بود، دولت انگلستان پرسناک شد و تصمیم بر آن گرفت تا قرارداد ۱۹۲۳ را که در خطر بی‌اعتباری قرار داشت، با تجدید نظری برای مدت چهل سال دیگر بتصویب مجلس برساند. بهمین دلیل در مهر ماه ۱۳۲۶ دولت زقته ماده واحده‌ای بمجلس تقدیم داشت که بتصویب مجلس رسید مبنی بر تجدید نظر در قرارداد نفت جنوب زیر پوشش کلمات (استیفای حقوق ملی) و (حفظ حقوق ملت ایران).

در نتیجه گلشانیان وزیر دارائی با نمایندگان شرکت نفت مذاکره پرداخت که آن قرارداد زیر نام (لایحه الحاقی گس و گلشانیان) تنظیم گردید آن لایحه ده روز قبل از انقضای دوره‌ی پانزدهم (در تاریخ تیرماه ۱۳۲۸) بمجلس تقدیم شد، این لایحه در حقیقت تائید همان قرارداد ۱۳۱۲ بود که تا سال ۱۹۲۳ م معتبر گردید، ولی به همت اقلیت مجلس بتصویب نرسید و به دوره‌ی شانزدهم محول گردید.

طرف مذاکرات نفتی مذکور، نماینده‌ی دولت ماعد، وزیر دارائی گلشانیان و سرپرست کارشناسان انگلیسی (گس) بود. بهمین مناسبت قرارداد مزبور بنام (قرارداد الحاقی گس - گلشانیان) نام گرفت، علت اضافه شدن (قرارداد الحاقی) بدان سبب بود که این قرارداد دنباله‌ی همان قرارداد نفت (سال ۱۹۲۳ م) بوده است.

### لایحه الحاقی گلشانیان - گس بتاريخ ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸ (دوره پانزدهم قانونگذاری)

در اجرای قانون سی‌ام مهرماه ۱۳۲۶ و در نتیجه مذاکرات مفصلی که در ظرف هشت ماه اخیر بین دولت شاهنشاهی و شرکت نفت انگلیس و ایران بعمل آمده موافقت‌هایی نسبت به تغییرات بعضی از مواد امتیازنامه بین دولت شاهنشاهی و شرکت مزبور حاصل گردیده اینک متن موافقت‌نامه که بصورت الحاقی قرارداد اصلی خواهد بود بضمیمه ماده واحده زیر یقید یک فوریت برای تصویب مجلس شورایملی می‌گردد:

#### (ماده واحده)

مجلس شورایملی قرارداد الحاقی را که مشتمل بر ۱۱ ماده است و جزء قانون اعطاء امتیاز نفت شرکت نفت ایران و انگلیس محدود می‌باشد تصویب و بدولت اجازه مبازله آنرا می‌دهد. نخست‌وزیر (محمد ماعد) - وزیر دارائی (گلشانیان) قرارداد الحاقی بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران.

تهران - مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۹ برابر با ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸

نظر بقرارداد (که در این قرارداد قرارداد اصلی نامیده می‌شود) منعقد شده در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۲۳ بین دولت شاهنشاهی ایران از یکطرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که بموجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر باینکه متعاقب مذاکرات کامل و دوستانه دولت و کمپانی موافقت نموده‌اند که بملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۲۹-۱۹۴۵ در اوضاع اقتصادی حادث شده مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی بدولت تعلق می‌گیرد بایستی به میزان و به ترتیب آتی‌الذکر افزایش یابد. و نظر باینکه طرفین برای تأمین این منظور موافقت نموده‌اند که قرارداد الحاقی منعقد نمایند علیهذا بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود بشرح زیر موافقت می‌شود:

### خلاصه‌ی دیگر مواد قرارداد:

- ۱- حق الامتیاز از چهار شلینگ هر تن مواد نفتی به شش شلینگ افزایش می‌یابد.
- ۲- بابت هر دوره‌ی مالی جمع مبلغی باید کمپانی بدولت ایران بپردازد اگر کمتر از چهار میلیون لیره استرلینگ باشد کمپانی همین مبلغ را خواهد پرداخت.
- ۳- کمپانی از ۱۴ میلیون لیره استرلینگ که در ترازنامه بعنوان (تخیر عمومی) کمپانی منظور شده از این مبلغ (۹۰۹-۹۰۹-۵) لیره استرلینگ بدولت ایران خواهد پرداخت.
- ۴- بابت مازاد شش میلیون تن کمپانی نرخ پرداختی را از ۹ پنس به یک شلینگ ترقی خواهد داد.
- ۵- با رعایت مقررات این قرارداد مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند.
- ۶- این قرارداد پس از تصویب مجلس بموقع اجرا گنج‌آورده خواهد شد و دولت متعهد می‌شود که این قرارداد را هرچه زودتر ممکن شود برای تصویب مجلس شورایی تقدیم دارد.



### نکاتی چند در مورد قراردادهای نفت

بملاحظه حوادثی که در تاریخ ملت ایران ثبت شده، سالهای ۱۳۲۸-۱۳۲۹ را باید تاریخ مبارزه در راه احقاق حق ملت ایران در استیفای منافع خود از درآمد نفت و قطع ایادی بیگانه از این منبع ثروت دانست. توضیحاتی درباره‌ی قراردادهای نفت از آغاز تا پایان (که منجر به شکل گرفتن نهضت ملی ایران و تشکیل جبهه‌ی ملی گردید) ملی چند سطر فهرستوار به قراردادی نفتی از آغاز تا روز ملی شدن صنعت نفت اشاره می‌کنیم:

۱- قرارداد داری در نهم صفر ۱۳۱۶ (۱۹۰۱ میلادی) در کاخ صاحبشیرانیه توسط مظفّرالدین شاه برای مدت ۶۰ سال به امضاء رسید.

۲- قرارداد ۱۹۳۳ در روز یکشنبه ۱۹۳۴ میلادی (ارز بیستم ۱۳۱۲) در مجلس در روز نهم قانونگذاری بمجلس تقدیم و تصویب شد. توسط تشریحی زاده در دوران رضاخان.

۳- قرارداد الحاقی «گس - گلشائیان» روز شنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ از طرف گلشائیان وزیر دارائی وقت تقدیم مجلس دوزخی پانزدهم شد بشرحیکه گذشت بتصویب نرسید.

۴- پیشنهاد ملی شدن نفت در جلسه ششم آذر ۱۳۲۹ در کمیسیون مربوط مطرح شد.

۵- در روز ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ «سیزده» روز پس از قتل رزم آرا نخست وزیر پس از آنکه دوازده نفر از اعضاء کمیسیون «بریاست دکتر محمد مصدق رهبر ملت ایران» پیشنهاد ملی شدن را تصویب کردند. مضمون طرح ملی شدن صنعت نفت بدین شرح اعلام گردید:

«بنام سعادت ملت ایران و بمقتور کمک بتأمین صلح جهانی ما اعضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.» که بعداً بتصویب مجلس رسید.

۱۶ نفر اعضاء کمیسیون عبارت بودند از: دکتر محمد مصدق - دکتر سید علی شایگان - اللبیار صالح - حسین مکی - خرد و قشقایی - عبدالرحمن فرامرزی - خانری زاده - سرئیپزاده - جمال امامی - جواد علمری - ناصر ذراغزاری - جواد گنجی - دکتر کاسمی - سید علی بیهبانی - پالیزی.

۶- چون در قانون ملی شدن صنعت نفت تمام کشور مورد بحث بوده است، چند متری در مورد قرارداد نفت شمال و نفت خوریا که بعداً به دست روسها افتاد اشاره می‌کنند.

در سال ۱۲۹۷ قمری ۱۸۷۷ میلادی، ناصرالدین شاه برای بهره‌برداری از معادن منطقه‌ای از سمنان تا خراسان که بعداً بنام خوریا معروف گردید، بنام آقای امینی، فرمانی صادر کرد که بعداً بلعاطف تأخیر تادیه‌ای مال الاجاره فرمان از اختیار وی خارج شد و توسط بخشاریا، به ثبت رسید و در ۱۳۰۴ شرکت خوریا تشکیل شد که ۶۵ درصد سهام آن در دست بانک روس، بهمناسبت مطالباتش و بقیه بخشاریا بود، بدینطریق روسها در نفت خوریا سهیم شدند. از آنجا که این شرکت موفق به بهره‌برداری نگردید با ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور این قرارداد نیز لغو گردید.

۷- آخرین قرارداد نفتی پس از قانون ملی شدن صنعت نفت، قرارداد نفتی موسوم به «امینی پیچ» است که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دوران حکومت زاهدی، در سال ۱۳۳۳ به تصویب رسید و این قرارداد تا قبل از دوران انقلاب ملاحظه

عملی در طرف قرارداد بوده است. ظاهراً در اواخر رژیم گذشته مذاکراتی بر مبنای عقد قرارداد تازهای محرمانه در جریان بود که تقسیم مانده این بود خلاصه‌ای از وقایع ملی شدن صنعت نفت در اسفندماه ۱۳۲۹



### تعویض و تقلب در صندوقهای آراء مسجد سپهسالار

\* شب ۷ - آبان ۱۳۲۸ - صبح روز شنبه هفتم آبانماه پاسانپا و ژاندرمهای ماسخ اصراف مسجد سپهسالار و پشت پاسا و حیاط مسجد را که صندوقهای آراء در آنجا قرار داشت اشغال کردند و تمامی خبرنگاران و ناظران قرئت آراء را از صحن مسجد بیرون ریختند.

نظر به اینکه دو نفر از اعضاء جبهه ملی (محمود تریمان و حسین مکی) در حوزة حضور داشتند، مأموران آن دو نفر را در اطافی زندانی ساختند. لحظاتی بعد عدای از طلاب مدرسه سپهسالار از بالای پشت‌بام فریاد برآوردند که صندوقها را دارند عوض می‌کنند.

### روز یکشنبه هشتم آبانماه

جبهه ملی طی اعلامیه‌ای ماجرای حوادث دیروز مسجد سپهسالار را به اطلاع عموم ملت ایران رسانید و اعلام داشت جبهه ملی از صندوقها تا آخرین نفس تکمیلی خواهد کرد.

در همین روز (حسین مکی و محمود تریمان) نسبت به توقیف غیرقانونی خود به دانشگاه دیوانگیفر اعلام جرم کردند.

\* دکتر مصدق طی نامه‌ای به رئیس انجمن نظارت تهران اعلام داشت بعلمت انتشار صندوقهای آراء تهران از مسجد سپهسالار به عمارت فرهنگستان بقیه آراء تهران را باطل اعلام می‌کند. زیرا از بعد از ظهر دیروز تا ظهر امروز صندوقها در اختیار مردم نبوده است.

\* دکتر مصدق در يك نطق تاریخی در جلسه هفتم آبانماه بطلان بقیه آراء تهران را اعلام داشت.

\* باعداد روز ۱۹ - آبان ۱۳۲۸ انتخابات تهران توقیف شد و خواندن آراء تعطیل گردید.

\* شب ۲۶ آذر ۱۳۲۸ - اعضاء جبهه ملی در احمدآباد به نزد دکتر مصدق رفتند، اعضای جبهه ملی از آقای دکتر مصدق که بتوان اعتراض به انتخابات تهران به احمدآباد رفته بود تقاضای بازگشت به تهران کردند.

### نامه‌ی دکتر مصدق به جبهه‌ی ملی ایران

در تاریخ هشتم دیماه دکتر مصدق از احمدآباد نامه‌ای به جبهه ملی ایران مبنی بر بطلان پرونده‌های انتخابات و قرارداد نفت ارسال داشت که خلاصه آن بدین شرح است:

«... بعقیده اینجانب اگر انتخابات بدست مردم انجام گیرد یعنی مردم بتوانند هر که را می‌خواهند روانه مجلس کنند مجلس شورایملی نماینده قاطبه مملکت است و تقریباً معال است که جز بصلاح موکلین خود قدمی بردارد، انتخابات مجلس شانزدهم و مجلس سنا را که یا قتل و ضرب و شتم و تهدید و تطمیع توأم بوده باطل می‌دانم یعنی معتقدم عدم اجرای شرایط اولیه صحت انتخابات عمل ساختگی عمال دولت پناهندگان را از درجه اعتبار انداخته بطوریکه نمی‌شود بر این صورت‌سازیه‌ها عنوان انتخابات اطلاق نمود.

در اینجا لازم است عرض کنم فعلا هم مسائل حیاتی ایران مسئله نفت است و چنانکه می‌دانیم که دولت خواست قرارداد باطل تمديد مدت امتیاز داری را یا تصویب لایحه الحاقی نفت پانزدهم تلویحاً تنفیذ کند، عده‌ای از آزادیخواهان ایران در مجلس و خارج یا آن مخالفت کردند و فشار افکار عمومی بر مجلس نگذاشت سند رقیب ایران تنفیذ شود.

ملت ایران در انتخابات دوره شانزدهم با انتخابات مخالفین قرارداد نفت به نمایندگی مجلس نشان داد که نمایندگان اقلیت مجلس از زبان او سخن گفته‌اند و انتخابات مخالفین قرارداد به نمایندگی مجلس در عرف سیاست یک نوع رفتارندم تلقی می‌شود.

منظور آزادیخواهان ایران اینست که یا ایجاد حکومت مردم بر مردم بدون بروز حوادث نامطلوب و از راه قانون و صلح و سلم در اوضاع مملکت اصلاحاتی بنفع ملک و ملت بشود و از تغلق و شقاق دولت و ملت از میان برود و مصائب و آلام مردم از فقر و قاقه و جہل و بیماری و گرسنگی و برهنگی بیش از این مقدمات فنای ملت را فراهم نکند.

در خاتمه امیدوارم که قوای حاکمه ایران از گذشته دور و نزدیک مخصوصاً از انتخابات اخیر تهران عبرت گرفته و برای یک بار هم که شده با مردم از در صلح و آشتی درآیند و مطمئن باشند که هرگز قدمی بتفع آزادی و تامین حقوق مردم برداشت، ملت هوشیار و حق‌شناس ایران از جان و دل از او پشتیبانی خواهد کرد.»

دکتر محمد مصدق



چهارشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۲۸ امروز دکتر مصدق از احمدآباد برای شرکت در انتخابات وارد تهران شد.



یکشنبه ۳ بهمن ۱۳۲۸ در ساعت ۱۱ امروز دکتر مصدق در حضور پیش از  
هشتاد نفر نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی نظریات چهره‌ی ملی را دربارہ  
انتخابات تهران و شهرستانها اعلام داشته. دکتر مصدق اعلام کرد که حکومت نظامی  
مغایر آزادیهای فردی و اجتماعی است.

شنبه ۱۵ - بهمن ۱۳۲۸ دکتر مصدق طی اعلامیه‌ای مردم تهران را برای شرکت  
در یک میتینگ عمومی در ساعت ۱۵ در میدان بهارستان دعوت کرده.

(بخش ششم)

## شرکت دکتر مصدق در شورای امنیت و دفاع از حقوق ملت ایران

گوشه‌هایی از تاریخ پرافتخار وطن ما که با سطور زرین ثبت خواهد شد.

دکتر مصدق با اعضاء سیاست استعماری انگلیس، آندولت را در سازمان ملل متحد رسوا ساخت - آمریکائیا پس از ۱۹ جلسه مذاکره با دکتر مصدق، چون دریافتند از بهیچوجه آشتی پذیر نیست، بمنظور کنار گذاردن وی و جبهه ملی و بروی کار آوردن یک رچل سازشکار در ایجاد بلوا و کودتا با انگلستان همصدا شدند.

«... در آینده شرکت سابق نفت هر کجا کار کند نخواهد توانست در ایران کاری انجام دهد. نه قیمت، نه مباشرت و نه قرارداد یا خارج، هیچکدام اجازه نخواهد داد که از منابع نفت ما استفاده کند، ما فقط ما بلیم که نفت خود را به مشتریان بفروشیم. اما بهیچوجه من الوجوه حاضر نیستیم که از مالکیت، نظارت بر صنعت نفت خود یا هیچ دولتی مذاکره و مباحثه کنیم.»

ه از سخنان دکتر محمد مصدق در جلسهای تاریخی روز ۴شنبه ۱۷ مه ۱۳۳۰ در شورای امنیت سازمان ملل متحد - نیویورک»

مسافرت‌های دکتر محمد مصدق به لاهه و نیویورک به منظور درخواست‌ها و اعلام حقانیت ملت ایران در ملی‌ساختن صنعت نفت، پس تاریخ سیاسی و عتمان دو برکت درخشان و افتخارآمیز افزوده است. رهبر کهن‌سال ملت ایران با وجود کمبود و خستگی و بیماری و پنج سفر ۴۳ روزه‌ی آمریکا را بخود خرید و با ایران سخنرانی ۶۰ صفحه‌ای (که بسیار مستدل و مستند و مشروح تهیه شده بود) در شورای امنیت سازمان ملل متحد و مصاحبه با خبرنگاران و ملاقات با رجال و سران آمریکائی یا سرختمی اعجاب‌آمیزی حقانیت ملت ایران را بجهانیان به اثبات رسانید. پافشاری و استقامت دکتر مصدق در راه افشاء سیاست استعمارگران انگلستان و دخالت در امور داخلی ایران در شورای امنیت سازمان ملل و تظلمات مؤثر افتاد که سرانجام قطعنامه پیششهادی انگلستان بطرز مفتضحانه‌ای با اکثریت رد شد و بدین طریق برای نخستین بار در این مجسمه جهانی يك ملت كوچك و فقیر توانست به سمت رهبر سالخورده‌ی خویش یکی از بزرگترین امپراطوریهای استعمارگر جهان را در صحنه‌ی سیاست دچار شکست سازد که در مطبوعات آنروز جهان مانند يك یمبه صدا کرد.

نویسنده که در آن ایام خود شاهد این صحنه‌های افتخارآمیز بودم و به اختصار گوشه‌هایی از این تاریخ هیجان‌آور و غرور‌انگیز را برای تسل جوان وطنمان در می‌زنم تا در تاریخ پرافتخار ایران ما باقی بماند:

### \*\*\*

روز یکشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۳۰ دکتر محمد مصدق به اتفاق ۱۵ نفر از همراهان در میان شور و شعف بیش از یکصد هزار نفر مردم تبران که در سراسر مسیر حرکت رهبر ملت تا فرودگاه مهرآباد گرد آمده بودند وارد فرودگاه شد.

همراهان دکتر مصدق عبارت بودند از: آقایان دکتر قاضی معاون نخست‌وزیر - دکتر سنجایی - دکتر سیدعلی شایگان - دکتر متین دفتری - دکتر بفائی - دکتر صالح - پوشهری - دکتر عیسی سپهبدی (مترجم) - محسن اسدی (مترجم) - دکتر حسین نواب وزیر مختار ایران در هلند - دکتر غلامحسین مصدق و بانو ضیاء اشرف بیات (فرزندان دکتر محمد مصدق) از روزنامه‌نگاران عباس مسودی - مصباح‌زاده - مجید موقر و در آمریکا دکتر سیدپور قاضی استاد دانشگاه پرینستون (برادر دکتر قاضی) به این گروه ملحق شد، مقرر گردید که سهام‌السلطان بیات از اروپا به این گروه بپیوندد.

نکته‌ی جالب آنکه دکتر مصدق هزینه‌ی سفر خود و دو فرزند خویش را به مبلغ ۱۵ هزار دلار شخصاً پرداخته بود - در آن ایام اینجانب از طرف روزنامه باختر امروز بمنظور آشنا ساختن افکار عمومی مطبوعات و مردم و رادیو تلویزیون آمریکا (که متأسفانه با نهفت ملی ما بیگانه بودند، درست شبیه اوضاعی که امروز در ایران جریان دارد و در آمریکا بشوع دیگری تعبیر می‌شود) به آن کشور رفته بودم و در بسیاری

از شهرهای بزرگ آمریکا درباره‌ی تهیض ملی شدن صنعت نفت ایران با مطبوعات و رادیو تلویزیون و شخصیت‌های محلی صاحب‌بهره‌های دائمی که در رادیو تلویزیون و مطبوعات آمریکایی انتشار یافت.

در فروزگاه رم هنگامیکه دکتر مصدق برای استراحت یکساعته از هواپیما پیاده می‌شد یک خبرنگار مصری با چشمانی اشک‌آلود دست خود را به دامان دکتر مصدق انداخته و با صدائی خفه گفت: «تو موجب فخر و مباهات ما مشرق‌زمینی‌ها شده‌ای، مشرق زمین باید بوجود تو افتخار کند، زیرا از موقعیکه ایران تهیض مقدس خود را آغاز کرده است، ما مصریها، عراقیها، افغانیها، سوریها، همه‌جا با احترام و عزت و آبرو رو برو می‌شویم!»

این صحنه آنچنان هیجان‌انگیز بود که اشک را در چشمان ناظران بچفته درآورد. مسافرت ۲۲ ساعته‌ی دکتر مصدق و همراهان از تهران به نیویورک بسیار خسته کننده بود؛ دکتر مصدق با وجود خستگی مفرط سفر در همان آغاز ورود به نیویورک اعلام داشت: «هرگاه شورای امنیت بتواند در رسیدگی به موضوع نفت ایران خارج از مقررات بین‌المللی اقدامی بعمل آورد جلسه‌ی شورا را ترک خواهد کرد.»

نخستین جلسه‌ی شورای امنیت روز دوشنبه ۲۲ مه‌ماه ۱۹۵۰ (که پانصد و شصتمین جلسه‌ی شورای امنیت محسوب می‌شود) در ساعت ۱۶ بوقت محلی تشکیل شد. سرسرا و سالن بزرگ شورا پر بود از خبرنگار و عکاس و فیلمبردار بیشتر کشورهای جهان بویژه از آمریکا بنحوی که جا برای حرکت وجود نداشت. خبرنگاران می‌گفتند چنین استقبال مطبوعات و رسانه‌های گروهی از یک شخصیت خارجی در سازمان ملل بی‌سابقه بوده است.

برای نخستین بار زبان فارسی به پنج زبان رسمی سازمان ملل متحد (انگلیسی، فرانسه، روسی، چینی، اسپانیولی) بیخاطر ورود هیئت نمایندگی ایران به شورای امنیت افزوده شد. گوینده‌ی فارسی زبان با فصاحت و احترام از هیئت نمایندگی ایران یاد می‌کرد.

ورود دکتر مصدق به سالن هیجان تماشاگران را افزایش داد. با ورود دکتر مصدق نمایندگان حاضر با شوق تمام نگاه خود را به ایست رهبر سالخورده‌ی ایران درخشان، همینکه دکتر مصدق سر جای خود نشست، رئیس جلسه (نماینده‌ی کشور برزیل) رسمیت جلسه را اعلام کرد. نخست (سر گلادوین جیب) نماینده‌ی انگلیس قطعنامه‌ی انگلستان را مبنی بر اینکه مذاکرات با ایران درباره آغاز کرده و اختلافات بر طبق اصول و موازین بین‌المللی حل و فصل شود و انگلستان از دولت ایران می‌خواهد برای آنکه قضیه مشکل دوستانه حل شود و متوسل به قضاوت یکطرفه و کینه و عداوت علیه انگلستان نشود.



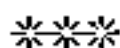
دکتر مصدق با گوشه‌ی (زبان فرانسوی) ترجمه‌ی نطق (جب) را گوش می‌داد. سپس در میان سکوت و هیجان حاضرین تریبون رفت و بزیبایی فصیح فرانسه شروع به صحبت کرد. گوینده‌ی فارسی زبان سازمان ترجمه‌ی فارسی آنرا بهیچ نحو قرائت نمی‌کرد. وی در این لحظه گفت: آقای نخست‌وزیر! با منور می‌شوید و فصیح زبان فرانسه نطق بر زبان من قرائت می‌کند. تأییدی دفاعی ایران ۲۰ دقیقه صحنه بود. که از طرف مشران دکتر مصدق با دقت تهیه شده بود.

دکتر مصدق در آغاز سخن گفت: اگر من با مزاج علین روح بشر را بسز خود می‌دانم کرده بخاطر نیست که حسن احتیاج ملت ایران را با سازمان ملل متحد تشبیه کرده باشم. گرچه با طرح این دعوا را به دلائلی در حنده صلاحیت شورای امنیت نمی‌دانید. اما متکرر نمی‌توانیم شد که این سازمان عالیترین مقامی است که مسئولان مدعا را صحیح دانست.

پس دکتر مصدق وضع ایران و عملیات شرکت نفت انگلیس پرده‌اشه و چنین گفت: ایران با ۲۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت، هیچ‌کس میلیون مردم محروم از حوش و شبه زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۰۰۰ شرکت نفت ۲۱۵ میلیون تن نفت استخراج کرد که از آن بیست فقط ۱۱۰ میلیون لیتر به ما رسیده است. در حالیکه تنها در سال ۱۹۵۸ خلق ترازنامه‌ی درآمد شرکت نفت ۶۱ میلیون لیتر بود که فقط ۹ میلیون لیتری آن به ما رسیده. در صورتیکه تنها با بیست مالیات بر درآمد دولت انگلستان از نفت ایران در همان سال ۲۸ میلیون لیتر بود.

در این چهل سال حتی دولت ایران حق بازرسی ترانزآزمی این شرکت را نداشت، با وجودیکه ما برای حل مسئله نفت پیشنهادهای مثبت و مفید راجع به پرداخت غرامت و فرزش نفت به انگلیس داده بودیم. مشارفانه تاکنون جز ائتلاف وقت نتیجه‌ای نگرفتیم. دکتر مصدق پنج صفحه از لایحه دفاعیه‌ی ایران را بزبان فرانسه خواند و بلحاظ حسنگی جسمی اوامی آن را که بزبان انگلیسی بود به آقای المپار صالح واگذار کرد. آقای صالح در این لایحه از جانب دولت ایران اعلام داشت که: شورای امنیت نمی‌تواند برای رسیدگی بمسئله نفت صلاحیت داشته باشد و دلیل این مطلب آنست که منابع نفتی مانند رز ذخانه و کوهپای ایران متعلق به مردم ایران است، همانگونه که انگلستان در مورد منابع ملی خود اینکار را کرده است وی سپس گفت ما نمی‌خواهیم مرغی که تخم مثلاثی می‌گذاشته بکشیم بلکه مایلیم طبق منشور ملل متحد از مداخله در امور داخلی ما خودداری کنند، از طرف دیگر دولت ایران با شرکت سابق نفت روبروست نه دولت انگلستان.

با این وصف دولت انگلستان با مداخلات بی‌رویه مانند ایجاد اغتشاش و اعتصاب و آوردن ناوگان جنگی و نیروی زمینی و هوایی در کنار مرزهای ما می‌خواند ما را بترسانند. انگلستان از دادگاهها و موسسات بین‌المللی سوء استفاده می‌کند، از آنجمله با وجودیکه شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به مسئله نفت ایران را ندارد به شورای امنیت شکایت کرده است تا در نتیجه ایران را بی‌اعتناء بمقررات بین‌المللی معرفسی سازد. چیزیکه صلح را تهدید می‌کند آنست که انگلستان می‌کوشد با توسل بزور از حق حاکمیت ما جلوگیری کند، مانند آوردن چترباز، کشتی جنگی و غیره.



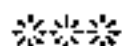
### جلسه‌ی دوم

روز شنبه ساعت ۱۵ دومین جلسه‌ی بحث درباره‌ی ملی شدن صنعت نفت ایران در شورای امنیت آغاز شد.

در ابتدا دکتر مصدق صریحا اعلام داشت: «هرگاه دولت انگلستان رسیدگی به مسئله را وسیله‌ای برای تهدید به ایران قرار دهد، جلسه را ترک خواهد کرد و به کشور بازخواهد گشت وی سپس افزود ما دلائلی در دست داریم که دولت انگلستان تمایلی برای مذاکره ندارد و می‌خواهد بوسائل نامشروع اقتصادی و روانی و فشار نظامی در اراده‌ی ما تزلزل بوجود آورد...»

نماینده‌ی انگلیس در اینموقع گفت: «من از نخست‌وزیر ایران تمنا می‌کنم که از پیروی احساسات شدید ملی خودداری کنند» در این موقع نمایندگان چین-یوگسلاوی و هند پیشنهادی بسود ایران کردند، نماینده‌ی شوروی گفت: اصولا شورا حق رسیدگی به این موضوع را ندارد، چه این امر تقضی حق حاکمیت ایران است. در این لحظه دکتر مصدق از جا برخاسته و گفت: «شورا باید عدم صلاحیت خود را هرچه زودتر اعلام دارد

تا ملت ایران تکلیف خود را بدانند چه ما نه قطعنامه انگلستان و نه صلاحیت شورای امنیت را قبول نداریم» سپس جلسه پایان یافت.



دکتر امینی، سرمنبر، در جریان جلسه‌ای با اعضای هیئت‌مدیره و مدیران سازمان اطلاعات ایران در تهران.

### جلسه‌ی سوم

سومین جلسه‌ی بحث روز چهارشنبه انجام شد که نخست (وزیر استین نماینده‌ی آمریکا) ضمن پشتیبانی از رویه‌ی انگلستان گفت ستلج وی شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به این امر را ندارد و از یخلاق نظر نمایندگان ایران منتقد است. شورا وظیفه‌اش اینست که در این امر دخالت کند.

نمایندگی یوگسلاوی اعلام داشت که شورای امنیت صلاحیت رسیدگی به ایتکار را ندارد. نماینده‌ی فرانسه برای جبران شکست متضمانه‌ی قطعنامه‌ی انگلیس گفت: بهتر است در مورد صلاحیت و یا عدم صلاحیت شورا به دادگاه بین‌المللی مراجعه شود. به این مانور نماینده‌ی فرانسه در مورد موضوع صلاحیت و یا عدم صلاحیت شورا نسبت به رسیدگی قطعنامه‌ی انگلیس درباره‌ی نفت ایران بحث کشور: آمریکا، چین، هند، اکوادور، هند، برزیل و ترکیه موافقت کردند که این امر به دادگاه بین‌المللی لاهه مراجعه شود و قطعنامه‌ی انگلستان مسکوت باشد. نماینده‌ی شوروی مخالف این آراء بود و نماینده‌ی یوگسلاوی رأی ممتنع داد.

بدین طریق انگلستان بشکل بسیار زنده‌ای در شورای امنیت شکست خورد و مسئله‌ی رسیدگی بموضوع نفت ایران در شورای امنیت مسکوت ماند.

مصدق در این سفر دو هدف داشت نخست آنکه بکمک رئیس‌جمهور آمریکا (که مردی با حسن نیت جنوه بی‌کرد) مسئله‌ی نفت را حل و در غیر اینصورت از طریق دریافت کمکهای مالی از دولت آمریکا به وضع آشفته‌ی مالی ایران سررسامانی بدهد... متاسفانه مقامات آمریکایی که زیر نفوذ شدید سیاست استعماری انگلستان قرار داشتند در هیچیک از ایندو مورد روی موافقتی به ایران نشان ندادند، تنها صندوق بین‌المللی پول موافقت کرد که (۸۶) میلیون دلار به ایران وام بدهد. اینهم بیشتر بغاظر آن بود که دولت آمریکا زیر فشار شدید افکار عمومی می‌خواست مانوری ضاهرا مساعد انجام داده باشد. یاری دکتر مصدق در دانشگاه کلمبیا برای دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا روز یکشنبه ۲۸ مه‌ماه ۱۳۳۰ سخنرانی مہیجی ایراد کرد و سپس در شهر فیلادلفی از طرف شهردار شهر طی مراسم بسیار باشکوهی از دکتر مصدق تجلیل بعمل آمد.



دکتر مصدق بارزنامه‌نگاران آمریکائی و نویسنده‌ی این یادداشتها

مصاحبه‌ها و ملاقاتهای دکتر مصدق در آمریکا

دکتر مصدق بنا بدعوت (هری ترومن) رئیس‌جمهور وقت به واشنگتن رفت. دکتر





سیویک - هنگام بیاده شدن از اوسیل مصدق شرکت در جلساتی شورای امنیت در راه احتیاجی  
حق ایران علیه مساعد منجابر انگلستان که بیروزمندان به انجام رسید. در این عکس (نصراکه  
اسفلام) سفر ایران در آمریکا و برادر بیاده شدن از اوسیل ماری می دهد.

دکتر مصدق در تالار استقلال این شهر گفت: «دیروز استاد مداخله‌ای انگلیسی‌ها  
در امور داخلی ایران که توسط مقامات ایرانی از اداره اطلاعات شرکت نفت سابق  
یلست آمد و ضمن آن گراور گزارش سفیر انگلیس که در فروردین ماه به سپید  
وزم‌آرا نوشته و در آن با ملی شدن صنعت نفت مخالفت کرده و طرحی داده بود تا در  
کمیسیون نفت مطرح گردد.»

این امر موجب حیرت فراوان خبرنگاران آمریکایی گردید.  
تلویزیون‌ها و رادیو و مطبوعات آمریکایی در چاپ عکس و اخبار هیئت نمایندگی  
ایران پیوسته دکتر محمد مصدق بعدی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند، روزی نبود عکس و  
با خبری از دکتر مصدق در مطبوعات آمریکایی دیده نشود.  
ورود دکتر مصدق به آمریکا باعث شد که مطبوعات معروفی چون لایف - تایم -

بزوزویک - واشنگتن پست - نیویورک تایمز و غیره صفحات و شماردهای ویژه‌ای به دکتر مصدق و نمایندگی ایران و دفاعیات ایران اختصاص داده بودند.

«گریدی» سنیر سابق آمریکا به خبرنگار مجله «یواس» گفته بود: «ملت ایران بسیار عزت نفس دارد، خیلی حساس و متکبر است و بسیار باهوش است. مصدق یک مرد فوق‌العاده باهوش و سیاستمدار تربیت شده‌ایست که در دنیا بندرت دیده می‌شود. مصدق بسیار نجیب و پادشاه است.»

### نظر مطبوعات آمریکا و انگلیس درباره مصدق

پس از عزیمت دکتر مصدق از واشنگتن مجله‌ی معروف تایم زیر عنوان «پس از مصدق کی؟» چنین نوشت:

«واشنگتن مصدق را مرد باشرقی می‌داند، ولی لندن با او سخت دشمن است و تمام توجهش بطرف قوام‌السلطنه می‌باشد و عتیده دارد که او تنها کسی است که می‌تواند هم احساسات افراطی را فرو نشاند و هم در کار نفت معاملاتی مناسبی با دولت غربی بنماید. مسافرت دکتر مصدق به آمریکا به این نتیجه‌ی بزرگ رسید که بر اختلاف نظر بین انگلیس و آمریکا در مورد شخص دکتر مصدق افزود. واشنگتن معتقد بود که مصدق مردی باسرف و متعصب است که هرچند سازش با او دشوار است ولی او به مراتب بر یک دولت کمونیست که به احتمال قوی جانشین او خواهد شد ترجیح دارد.»

«ولی لندن مصدق را مردی می‌شناسد که بریتانیا را بشدت تحقیر کرده، یک قرارداد در چابقی را نقض نمود و در هر حال نمی‌تواند مورد اعتماد و اطمینان باشد.»

تایمز لندن درباره بازگشت دکتر مصدق نوشت: «همانطور که انگلستان بارها گفته است دکتر مصدق سر سازش ندارد»

دیلی تلگراف نوشت: «مقاومت انگلستان در برابر فشار دولت ایران و همچنین پشتیبانی آمریکا از سیاست عاقلانه‌ی بریتانیای کبیر اوضاع خاورمیانه را بزودی بصورت صافی در خواهد آورد. این نخستین زنگ خطری بود که اولین بار در یک نشریه‌ی انگلیسی زبان مطرح می‌شد.»

مجله‌ی تایم در همین مورد در آن زمان نوشت: «انگلیسی‌ها معتقدند که جانشین برای دکتر مصدق را در نظر گرفته‌اند، او پیرمرد میلیونر ۷۷ ساله‌ایست بنام قوام‌السلطنه» بعدها در سی‌ام تیرماه سال بعد دیدیم که این کاندیدای دولت انگلستان بفرمان شاه به نخست‌وزیری منصوب شد که با آن وضع شرم‌آور و رسوا برکنار گردید. در اینجا به آسانی می‌توان پی برد که در نهضت ملی شدن صنعت نفت چگونه (شاه) پشم به فرمان سیاست استعمارگر انگلستان دوخته بود.

روزنامه معروف (لوموند) در آن روز نوشت: «پس از ۱۹ جلسه مذاکره دکتر مصدق با مقامات آمریکائی بی‌نتیجه به ایران بازمی‌گردد این روزنامه سپس اضافه می‌کند «اکنون انگلیسی‌های محافظه‌کار منتظرند کسی بر سرکار بیاید که جدیتش و

عاقبتی باشد. باری بدینطریق پس از ۴۲ روز دکتر مصدق باتفاق همراهان از نیویورک بسخت تهران حرکت کرد.

دکتر حسین فاضلی معاون نخست‌وزیر بهنگام عزیمت طی مصاحبه‌ای گفت: «در این سفر ما توانستیم نظرات خود را به‌اطلاع شورای امنیت برسانیم دیگر آنکه موفق شدیم افکار عمومی آمریکا را از چگونگی اختلاف‌خود با آمریکا مستحضر بداریم. بدین نحو دکتر محمد مصدق قطعنامه و سیاست استعمارگر انگلستان را در شورای امنیت رسوا ساخت و با وجودیکه هنوز ماجرای نفت و مبارزه با انگلستان در نیمه‌ی راه بود با پیروزی و سریلندی به کشور خود بازگشت.

از این لحظه فعالیت‌های پشت پرده علیه مصدق و نهضت ملی شدیداً آغاز شد.

پس از بازگشت دکتر محمد مصدق و اینکه آمریکا مانند انگلستان دریافت دکتر مصدق به‌پیچوجه سرسازش با سیاست استعماری انگلستان ندارد فعالیت‌های خطرناک پشت پرده علیه مصدق و نهضت ملی ایران بدست (عوامل اینتلیجنت سرویس و سیا) در داخل و خارج ایران شدیداً آغاز شد.

استنباط مفسران سیاسی آن‌زمان این بود که دولت آمریکا زیر نفوذ سیاست انگلستان نمی‌تواند به ایران کمک موثری بنماید، «ترومن» اگرچه مرد محقق و پاکی بود ولی در برابر فشار انگلستان نتوانست دست کمک بسوی ایران دراز کند، در نتیجه دکتر مصدق توبیه از کمک موثر آمریکا به ایران بازگشت، و «ترومن» چندی بعدجای خود را به «ایزنهاور» داد. وی که در زمان جنگ در کنار چرچیل مبارزات اروپا را علیه هیتلر اداره می‌کرد پیشتر در اختیار سیاست قدرت‌طلب انگلستان قرار گرفت، تا آنجا که آماده‌ی انجام کودتا علیه دکتر محمد مصدق در ایران شد.

برای تأیید این نکته اینک چند سطر از کتاب مشهور یک نویسنده بنام «هارالد اینبرگر» زیر عنوان (سازاک، یا درست شکسته‌گر غرب) را نقل می‌کنیم:

در آن ایام ژنرال دوایت - د - ایزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا در یک مصاحبه‌ی مطبوعاتی درباره‌ی ایران گفت:

«افزایش نفوذ کمونیست‌ها در ایران نگران‌کننده است و برای آمریکا از پیامدهای سخت نخواهد بود. او برای انحلال مجلس از کمونیست‌ها کمک گرفت»

نویسنده‌ی کتاب می‌نویسد: در حالیکه درست همین مصدق سیاستمدار ملی و مترقی بود که حتی پس از کودتاه ۱۵ اوت شاه حاضر به برکناری او و اعلام‌جمهوری نشد و این برخلاف درخواست‌های حزب کمونیست بود.»

به نوشته‌ی همین نویسنده در نخستین روزهای ماه اوت ۱۹۵۱ ژنرال نورمان شوارتسکف آمریکائی رئیس سابق ژاندارمری که در سالهای ۱۹۴۲-۱۹۴۴ در ایران خدمت کرده بود بطور محرمانه و بی‌سرودا وارد ایران شد، سفارت آمریکا این مسافرت را ملاقات با دوستان قدیمی عنوان کرده بود، در حالیکه بعداً کشف شد، بدنبال

قرار محرمانه بین (ایزنهاور و چرچیل) قرار بر این شد که (سیا) بودجه‌ی کافی در اختیار وی قرار دهد تا طرح کودتائی را در ایران بسود شاه بریزد.

نویسنده می‌نویسد: «شوارتسکف» و «سپید زاهدی» در سفارت آمریکا نقشی کودتا را طراحی کردند و بکمک ایادی شاه آنها بموقع اجرا درآوردند.»

این نویسنده می‌نویسد: از روزی که مصدق تفت را ملی کرد (۲۸ آوریل ۱۹۵۱) با این کار دشمنی کمپانیهای نفتی آمریکائی و انگلیسی را علیه خود برانگیخت و دولتهای این کمپانیها از آن پس با همه‌ی وسائل ممکن او را زیر فشار گذاردند، شاه ایران در این کشمکشها از منافع کارتل‌های بین‌المللی جانبداری می‌کرد، سیاستی که تا هنگام سقوطش بدان وفادار بود. هنگامیکه «شوارتسکف» به اجرای طرح کودتا در ایران تم داده بود شاه به شرکت در این بازی پرداخت و او عاقبت با تبعید کوتاه‌مدتش کاملاً بازیچه‌ی (سیا) شد.

«رابرت گراهام» نویسنده‌ی کتاب «مراب قدرت» درباره‌ی اوضاع سیاسی آنزمان ایران چنین می‌نویسد:

«(ایزنهاور) پس از سقوط مصدق طی یکماه (۶۵) میلیون دلار کمک فوری بشاه کرد تا اقتصاد ایران را سروسامانی دهد، تعجب‌آور نیست که می‌بیشیم بین سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲ که دکتر مصدق بر سر کار بود تمامی کمک آمریکا به ایران به ۲۳ میلیون دلار نرسید در حالیکه میان سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷ دولت آمریکا مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار به ایران وام داد. چه آمریکا می‌خواست شاه این درست‌دست‌نشانده‌ی خود را سریعاً یاری دهد.»

اینک بازمی‌گردیم به سخنی که در آغاز این سخن از دکتر محمد مصدق در جلسه‌ی رسمی شورای امنیت سازمان ملل نقل کردیم...

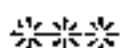
وی در آن سخنان تند و آتشین گفته بود:

**«در آینده شرکت سابق نفت نخواهد توانست بشکل قیومت یا مبادرت و یا قرارداد با خارج از منابع نفت ما استفاده کند.»**

اما شاه که به سیاست استعماری انگلیس در دوران مصدق گردن نهاده بود، نه تنها خود و یارانش در سقوط مصدق یا در قدرت بزرگ همکاری نزدیک داشتند بلکه درست عکس تصمیمی عمل کرد که اراده‌ی ملت ایران بود و پشوح بالا از دهان دکتر مصدق در جلسه‌ی شورای امنیت عنوان شد.

او در قرارداد نفت که بعداً با کنسرسیوم منعقد شد، نه تنها پای شرکت سابق نفت را دوباره به ایران باز کرد بلکه به آمریکا (که تاج و تخت را بوی یازگردانیده بود) اجازه‌ی شرکت در منافع نفت ایران را داد، این شرکتها زیر عنوان کنسرسیوم بشکل هم قیومت و هم مبادرت نفت ما را بعدت ۲۵ سال با تخفیف کاملاً بی‌سابقه به غارت بردند و ما سالها هر روز ۲۹ اسفند دل به این خوش داشتیم که «در چنین روزی صنعت نفت خود را ملی کرده‌ایم!»، پس باید بحق باور کنیم که تا روزهای اخیر مسئله

ملی شدن صنعت نفت ایران برای میهن پرستان ایرانی بشکل يك رویا مانده بود،  
اگرچه هر روز در آنها زاد از ملی شدن صنعت نفت می زدند.



دکتر فاطمی معاون سیاسی و پارلمانی نخست وزیر در يك مصاحبه‌ی مطبوعاتی  
در حضور صدها نفر خبرنگار و عکاس گفت:

«ایران هرگز تسلیم نخواهد شد و در برابر انگلستان پزانتو در نخواهد آمد. ما  
تادریم يكمك كارشناسان خارجی نفت خود را استخراج كنیم. اهلواریم ما را بحال خود  
بگذارند تا وضع خود را بهبود بخشیم.»

نویسنده در پایان سفر، چند روز پس از بازگشت (پیشوا) و همراهانش به ایران  
در تاریخ روز سه شنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۳۰ یتهران بازگشتم و مسئولیت خود را در روزنامه  
آغاز کردم.

## (بخش هفتم)

ماموریت نویسنده به اروپا و آمریکا در راه خنثی‌سازی تبلیغات سوء  
مقامات انگلیسی از طریق مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیویی

### سازش‌های پنهانی ابرقدرتها در حفظ منافع یکدیگر



بیانات محرمانه و تکان‌دهنده‌ی معاون وزیر امور خارجه آمریکا به اینجانب درباره‌ی  
ضرورت حمایت آمریکا از منافع انگلستان در سراسر جهان که مرا سخت دچار حیرت  
و هیجان ساخت؛

مرداد ماه ۱۳۳۰ - با اعلام (ملی شدن صنعت نفت ایران) توجه و افکار همه‌ی  
جهانیان به اینسوی خاورمیانه جلب شد، از همان روزهای نخست خبرنگاران و مفسران  
جرايه و رادیو تلویزیونهای مشهور جهان بسخت ایران روانه شدند، روزی نبود که  
اخبار، تفسیر، عکس و فیلم در روزنامه‌ها و تلویزیونها و رادیوها از نهضت ملی ایران  
در سراسر جهان پخش نشود. در آن ایام مشکل ما آن بود که در سراسر جهان منابع  
خبری و تبلیغی انگلستان و منابع وابسته‌ی دیگر کلا در اختیار وابستگان و مقامات  
انگلیسی قرار داشت.

هدف اصلی اینجانب در این سفر آن بود که خلاصه‌ای از مدافعات دکتری مصدق  
در دادگاه لاهه و اجلاس شورای امنیت با ارائه اسناد و مدارک و ذکر ارقام و اعداد و

ارائه عکس‌ها و مدارک دیگر آن حقایقی (که بغاثر ظلم و غارت و چپاول شرکت نفت انگلیسی بر سر ملت ایران آمده) در رسانه‌های گروهی ثابت کنم. سپتامبر ۱۳۳۰ که مصادف بود با ورود پیشوای جبهه ملی دکتر محمد مصدق دیگر اعضاء نمایندگی ایران بمنظور شرکت و دفاع از حقوق ایران در شورای امنیت به نیویورک، نویسنده در نیویورک حضور یافتم.

ملی اینصورت همه هفته خلاصه‌ای از اقدامات، مشاهدات، مذاکرات و مصاحبه‌ها در رسانه‌های گروهی اروپائی و آمریکائی و انعکاس اخبار ایران در مطبوعات اروپا و آمریکا ملی مقالاتی در روزنامه یاختر امروز منتشر می‌ساختم که تعداد آن در این سفر از ۱۵۰ مقاله تجاوز کرده بود و تاثیر مطلوبی نیز در افکار عمومی داخلی مملکت‌مان داشته است.

نویسنده بمنحصر ورود به آمریکا بر آن شدم که از سوی «روزنامه ارگان جبهه ملی» با یکی از مقامات پالای آمریکا ترتیب مصاحبه‌ای را بدهم تا شاید آنها حقایقی صریح و بی‌پرده از دهان يك روزنامه‌نگار ایرانی نسبت به فجایعی که شرکت سابق نفت در ایران مرتکب می‌شد بشنوند، رابط وزارت خارجه آمریکا با نویسنده جوانی بود بنام «مارگلیوس». وی همواره می‌کوشید در مسائل مطبوعاتی و تماس‌ها رضایت مرا جلب کند. يك روز ضمن گفتگوها از وی پرسیدم آیا ممکنست شما برای من ترتیب يك مصاحبه‌ی مطبوعاتی اختصاصی با شخص رئیس جمهور پرزیدنت «هروی ترومن» بدهید تا چند سنوأل و جواب صریح از ایشان برای روزنامه‌ی خود دریافت کنم، وی پاسخ داد معمولا رئیس جمهور بعلت فشار کار زیاد مصاحبه‌های اختصاصی ندارد، فقط مصاحبه‌های رئیس جمهور بطور عمومی هر دو هفته یکبار انجام می‌گیرد، شما می‌توانید در این جلسه حضور یابید بشرطیکه پرسش خودتان را قبلا بما بدهید تا به دفتر رئیس جمهور بدهیم که در روز موعود مطرح شود، من چون بخوبی واقف بودم در آن قبیل مصاحبه‌ها اکثر خبرنگاران انگلیسی و حتی نماینده رویتز حضور دارند، در حضور این افراد اسکان مطرح مسئله نفت ایران در يك محیط آرام میسر نیست، سپس با وی مصاحبه‌ای یا «دین آپسن» وزیر امور خارجه را مطرح ساختم که آنهم بغاثر آنکه وزیر امور خارجه‌ی آمریکا در مسافرت بود عملی نشد، وی همینکه مکرر در مکرر اصرار مرا می‌دید از من اجازه خواست که در این زمینه موضوع را با مقامات پالای وزارت امور خارجه مطرح ساخته و راه حلی پیدا کند.

روز بعد وی بمن زنگ زد که ترتیب يك ملاقات خصوصی با (معاون وزارت امور خارجه) در همان مورد داده شده است، ساعت ملاقات هشت صبح روز بعد در کاخ وزارت امور خارجه خواهد بود، بهمین لحاظ يك سرویس دولتی به هتل شما مراجعه خواهد کرد، تا شما را رأس ساعت به محل ملاقات بیاورد، من آترا بحکم اجبار پذیرفتم، چه نظر من آن بود که با مقامات پالاتری مصاحبه کنم که عملی نشد، در روز موعود با اتومبیل بکاخ وزارت امور خارجه آمریکا در واشنگتن رفتم. در طبقه پنجم به دفتر

«آقای رایته، معاون وزیر امور خارجه راهتسائی شدم. آقای رایته، معاون وزیر و مسئول امور سه کشور، ایران، ترکیه و یونان بود و مسائل جاری این سه کشور احاطه‌ی وسیعی داشت.

همیشه منشی معاون مرا به اطلاق وی راهتسائی کرده، در برابر خود مرد منشی با موهای سپید، که در حدود ۶۵ سال داشت یافتم، وی پس از سلام و احوالپرسی، بطور ناگهانی دیدم بزبان ترکی آذربایجانی از من پرسید (حالتان چگونه است؟) او اینکار را بدان دلیل انجام داد تا من از وی بپرسم شما زبان ترکی را در کجا آموخته‌اید؟ که منجر به همین پرسش شد. وی جواب داد، من سالهای سال سرکنسول آمریکا در شهر تبریز بوده‌ام، حتی به همه‌ی محلات و روستاها و شهرهای آذربایجان آشنا هستم و تا حد متوسط بزبان ترکی آذربایجانی آشنائی دارم، این خود دریچه‌ای بود برای برقراری روابط دوستی دو جانبه، پس از آن نوبت پرسش من شد:

من نخست با این مقدمه سخن را آغاز کردم که شما بخاطر این موافق در ایران بخوبی آگامید؛ ملت ایران خاطرات خوبی از شخصیت‌های معروف آمریکائی در ایران: امثال پروفیسور جردن، دکتر میلیسپو، شومتر، دسترویل و امثال ایشان دارند ما همیشه ملت آمریکا را در میمای این شخصیت‌های خوب فرهنگی، مالی و سیاسی می‌بینیم بهمین مناسبت من از جانب روزنامه‌ام که ازگان جبهه ملی است نزد شما آمده‌ام تا پاسخ یک پرسش خود را دریافت کنم و برای خوانندگان خود آنرا مطرح سازم.

آن پرسش چنین است، ما هزاران مدرک و سند، دلیل، از تجاوزات و غارتگری‌ها و دخالت‌های غاروا در امور مالی، سیاسی و اداری ایران از شرکت نفت انگلیس که سخت مورد حمایت دولت بریتانیاست در دست داریم که تا چند روز دیگر این اسناد به روی میز اعضای شورای امنیت افشاء خواهد شد. پس با اینهمه دلائل و مدارک انتظار منت ایران از دولت آمریکا که همواره مدعی طرفداری از حقیقت و حقوق ملت‌ها شده، آنست که قویاً در مراجع بین‌المللی ما را در برابر تجاوز و تعدی و غارتگری‌های مقامات انگلیسی مورد حمایت جدی خود قرار دهید، من در همان لحظه چند مند بزبان انگلیسی مبنی بر دخالت شرکت سابق نفت در امور داخلی ایران در کیف داشتم روی میز گذاردم.

معاون وزیر، نخست نگاهی آرام و خونسرد بمن که بسیار هیجان‌زده سخن می‌گفتم کرده و گفت:

آیا من می‌توانم که مسئله‌ای را با شما مطرح و تقاضا داشته باشم آن موضوع بین ما دو نفر محرمانه باقی بماند و کسی از آن آگاهی حاصل نکند؟!... این سخن برای من بسیار شگفت‌انگیز بود که چگونه یک معاون وزیر چنین پرسشی را با یک روزنامه‌نگار مطرح می‌سازد، پاسخ من جز یک (آری) نمی‌توانست باشد.

«آقای رایته، همیشه پاسخ مرا شنید، سپس از پشت میز خود برخاست، یک چوب بلند نوک تیز (که معمولاً برای نشان دادن سزاگزی در روی نقشه‌ها مصرف دارد) بدست



گرفت و به پشت سرش که يك نقشه‌ی جهانی پدیوار آویزان بود نگاه کرده و با صدای آرامی رو بمن کرده و گفت:

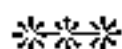
«شما ببینید که ما از اینسوی دنیا (اشاره به قاره‌ی آمریکای شمالی و جنوبی) (با عبور نوك چوب از قاره‌های اروپا و آفریقا و آسیا و اقیانوسیه تا ژاپن) در تمامی کشورها، دریاها، بنادر، سرزمین‌ها و قاره‌ها یا دولت بریتانیا اشتراك همدنی و یا گاهی برخوردها داریم، حال از شما می‌پرسم آیا برای ما امکان هست که فقط بخاطر يك نقطه از جهان (در این لحظه وی نوك چوب خود را روی نقشه‌ی ایران گذارد) ما تمامی آن اهداف و منافع خود را یا دولت بریتانیا بخطر بیتدازیم و فدای آن کنیم، حال اگر شما بجای ما بوردید حاضر به انجام این امر می‌شدید؟!»

این سخن آنچنان غافلگیرانه مرا عصبانی ساخت، که گوئی يك سطل آب یخ بر روی بدن تبارم ریخته‌اند، بهمین مناسبت درهم فرو رفتم، سکوت کرده، حتی قهقهه‌ای که برایم روی میز گذارده بودند نخورده برخاستم کیقم را برداشته با يك خداحافظی سرد از اتاق خارج شدم، در موقع خروج از اتاق باز هم وی تکرار کرد و گفت:

«یادتان باشد که این پاسخ من نزد شما محرمانه بماند...»

من آنچنان از این حقیقت بسیار تلخ و زهرآگین خشمناک شدم همینکه به هتل رسیدم، سعی کردم تا آنجا که میسر است در اولین فرصت تلفنی با نیویورک تماس گرفته و مراتب را به دکتر فاطمی گزارش کنم که آنشب پس از یکی دو ساعت موفق به آن شدم و جریان این ملاقات را بوی دادم که روز بعد به اطلاع نخست‌وزیر رسید.

این ملاقاتی به اصطلاح محرمانه بود که با معاون وزیر خارجه آمریکا داشتم که در آن چهره زشت و پلید سیاستمداران غربی را برای يك روزنامه‌نگار جوان ایرانی فاش می‌ساخت.



## (بخش هشتم)

### قضات دادگاه لاهه بر سر دوراهی حق و باطل

دادگاه لاهه چگونه در قضیه نفت ایران رأی خواهد داد؟

آخرین گزارش جالب درباره وضع دادگاه لاهه در آغاز طرح مسئله نفت ایران و عقیده و روش يك يك قضات دادگاه که از مطبوعات خارجی اخذ شده است.

نزدیکی تشکیل جلسات دیوان داوری بین‌المللی لاهه یکبار دیگر توجه مطبوعات و محافل سیاسی دنیا را به موضوع اختلاف ایران و انگلیس و قضیه نفت ایران معطوف داشته است از هم‌اکنون مطبوعات دنیا به بحث و تفسیر در اطراف چگونگی جریان و رأی احتمالی این دادگاه پرداخته‌اند. مقاله‌ای که ذیلاً از نظر خوانندگان می‌گذرد از دو روزنامه معتبر فرانسوی دامپاژ دوموند و «فیکاروه» ترجمه شده است.



بیش از سه هفته دیگر ب موعد تشکیل جلسات دادگاه بین‌المللی لاهه باقی نمانده و از هم‌اکنون در تهران و لندن و لاهه جنب و جوش‌های تازه‌ای برای شرکت در یکی از بزرگترین محاکمات تاریخی پس از جنگ شروع شده است. جلسات مشورتی و مقدماتی دادگاه از حالا در سالن‌های مختلف «کاخ صلح» لاهه که مقر دائمی دیوان داوری بین‌المللی است تشکیل می‌گردد و قضات دادگاه طی این جلسات مشورتی و غیر رسمی خود را برای شرکت در سهمترین محاکمات بین‌المللی سالهای اخیر آماده می‌کنند. انگلیسیها پس از آنکه از کنار آمدن با حکومت مصدق مایوس شدند بجماع بین‌المللی روی آوردند.

در دوره اجلاسیه اخیر سازمان ملل متفق، کولونسکی، بسمت نماینده شوروی در دادگاه لاهه تعیین گردید، ولی از قرار معلوم ایندفعه هم نماینده شوروی می‌خواهد تعارض کرده از حضور در جلسه دادگاه خودداری نماید زیرا قاضی روسی بهمین عنوان در جلسات مقدماتی دادگاه شرکت نکرده است.

ادعاینامه دولت انگلیس علیه ایران در دادگاه لاهه سرپا سفسطه است. دولت انگلیس با استناد بمواد فرعی و درجه دوم اسامنامه دیوان لاهه می‌خواهد دادگاه بین‌المللی را در رسیدگی به قضیه نفت ایران صاحب بشمارد و اختلاف بین دولت ایران و شرکت سابق نفت را اختلاف بین دو دولت ایران و انگلیس معرفی کند، در صورتیکه دولت ایران هرگز دولت انگلستان را طرف اختلاف خود در قضیه نفت ندانسته است.

### قضات لاهه چگونه رای خواهند داد؟

حال باید دید قضات دادگاه لاهه دربار، این اختلاف چگونه ذکر می‌کنند و در این دعوی، که بگفته خود آنها، مهمترین قضیه‌ایست که پس از جنگ جهانی اخیر در دادگاه لاهه مطرح می‌شود چگونه قضاوت خواهند کرد، می‌گویند فکر یک قاضی را فقط در موقعیکه رای می‌دهند می‌توان فهمید، ولی این مثل در همهجا صادق نیست، در موضوعاتی از قبیل دعوی نفت ایران که جنبه سیاسی آن بر جنبه قضائی‌اش می‌چربد، دو طرف قوی و ضعیف و ضالم و مظلوم مشخص‌اند، روش هر یک از قضات را قبل از اینکه رای نهائی گرفته شود می‌توان حدس زد، مگر سیاسی روزنامه‌نویسان و ژورنال‌ها پانزده قاضی دادگاه لاهه را در دعوی نفت ایران به سه دسته تقسیم می‌کنند: دسته اول آنهاییکه بشعب انگلستان رای نخواهند داد، دسته دوم آنهاییکه مسلماً بشعب انگلستان رای خواهند داد و دسته سوم آنهاییکه دوازده روش معینی ندارند و سرنوشت قضیه نفت در دادگاه بسته به چگونگی رای آنها است.



از دسته اول باید کولونسکی، قاضی روسی دادگاه لاهه را مستثنی کرد، زیرا قاضی شوروی مانند دفعه گذشته دچار يك بیماری سیاسی گردید و از حضور در دادگاه امتناع ورزید، و دنیارسکی، قاضی لهستانی نیز اگر به پیروی از همکار روسی

خود در هنگام رسیدگی به قضیه نفت ایران بیمار نشود حداقل رای ممتنع خواهد داد. عبدالحمید بدوی پاشا قاضی مصری، زوریسیچ قاضی یوگسلاوی و سر ینگال رائو قاضی هندی بمقیده مفسر سوسی جزو دسته‌ای هستند که بفتح انگلستان رای نخواهند داد.

دسته دوم، یعنی قضاتی که مسلماً بفتح انگلستان رای خواهند داد عبارتند از: چون رید نماینده کانادا، سرآرنولد مک‌نایر نماینده انگلستان، کلاستید نماینده نروژ، آلتوارز نماینده شیلی و آرمانداوگون.

از پانزده قاضی دادگاه لاهه، رای پنج قاضی دیگر که دسته سوم را تشکیل می‌دهند هنوز نامعلوم است. قضات مزبور عبارتند از گرین‌هاک ورث نماینده آمریکا، دکتر هومو نماینده چین، ژرژ بسدوان نماینده فرانسه، گوستاو گرهرو نماینده سالوادور و کارنریو نماینده مکزیک. سرنوشت قضیه نفت ایران در دادگاه لاهه بسته برای این پنج نفر است. ولی مطمئن امور در لاهه می‌گویند که رای این پنج نفر منوط به رای هاکورث، قاضی آمریکائی است. و بنابر این سرنوشت قضیه نفت ایران در لاهه و صدور قرار صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه بسته به تصمیمی است که قاضی آمریکائی اتخاذ خواهد کرد.

### «راه حل» وسطی که دادگاه لاهه برای حل قضیه نفت ایران دارد

ولی محافل نزدیک به دادگاه بین‌المللی در لاهه می‌گویند که دادگاه رای یکطرفه نخواهد داد. بلکه یک راه‌حل بیطرفانه و «خنثی» پیدا خواهد کرد که نه انگلستان را برنجاند و نه دولت ایران را به سرپیچی و طغیان در برابر حکم دادگاه وادار نماید. روزنامه «فیگارو» می‌نویسد که «سر نفع مذاکرات این دوره دادگاه لاهه در دست سر ینگال رائو قاضی جدید هندی خواهد بود و به احتمال قوی وی پیشنهاد قابل قبولی برای حل و فصل قضیه نفت در ادگاه خواهد داد، ولی هنوز کسی از جزئیات نقشه «رائو» اطلاع ندارد.

فیگارو سپس می‌نویسد نقشه‌ای که برای حل قضیه نفت در دادگاه لاهه پیش‌بینی شده اینست که دادگاه اصل دعوی را تجزیه کند، در آن قسمت که مربوط به ملی کردن صنعت نفت و جریانات مربوط به آن است عدم صلاحیت خود را اعلام دارد، ولی در قسمت ادعای غرامت دولت انگلستان خود را صالح تشخیص دهد و با تعیین یک نماینده طرفین را بمذاکرات مستقیم در این خصوص دعوت کند.

در شورای امنیت سہارت سیاسی دکتر مصدق از پیشرفت مقاصد انگلستان موقفاً جلوگیری نمود، ولی راه را بروی آنها نبست؛ رای شورای امنیت دربارهٔ اینکه قضیه به دادگاه لاهه محول شود، حربه‌ای بود که بدست انگلستان داده شد تا قضیه را از طریق مجامع بین‌المللی دنبال کند و از آن بیمد انگلیسها تمام امیدهای خود را به دادگاه لاهه بستند و در حقا در شهر آرام و بیسرو و صدای لاهه به فعالیت پرداختند.

انگلیسها در عین حال که از یک طرف برای جلب رای دادگاه لاهه می‌کوشیدند

فشار اقتصادی خود را علیه ایران شدیدتر کردند و بر تحریمات داخلی خود در این کشور افزودند، شرکت نفت انگلیس و ایران با پشتیبانی دولت انگلستان تمام شرکت های دولتی و خصوصی را در معامله خرید نفت ایران مورد تهدید قرار داد. بندرگاه آبادان و خرمشهر که روزگاری مرکز بزرگترین فعالیت های کشتیرانی و تجارتی بود در ظرف مدت کوتاهی به منطقه راکد و ساکت و آرامی مبدل گردید و اقتصادیات ایران که در درجه اول بستگی بهایدات نفت داشت در اثر تعطیل صنعت نفت و عدم فروش نفت موجود دچار تزلزل گردید.

پایین ترتیب اوضاع اقتصادی ایران از روزیکه دکتر مصدق بقول خود در شورای امنیت پیروز شد روز بروز وخیم تر گردید. دکتر مصدق برای رهائی از این وضع دست بطرف روسها دراز کرد، ولی روسها در ازای پشتیبانی از او امتیازات وسیع و غیرقابل قبولی را میخواستند، در رأس تقاضاهای آنها آزادی حزب کمونیست توده و فروش کلی نفت ایران به بلوک شرقی اروپا بود. ولی دکتر مصدق خود را قادر به قبول هیچیک از این تقاضاها ندید و یکبار دیگر بطرف آمریکائیها دست دراز کرد.

کوشش های دکتر مصدق برای جلب کمک آمریکا ضمن مسافرتش به آمریکا به نتیجه نرسیده بود، ولی او هنوز از دریافت کمک از آمریکا مایوس نشده بود و مذاکرات بین او و سفیر کبیر آمریکا در تهران توید آینده امیدبخشی را می داد تا اینکه آمریکائیها مجددا تغییر روش دادند و سفیر کبیر آمریکا ماه گذشته رسماً بدولت ایران اطلاع داد که قبل از تعیین تکلیف اختلاف ایران و انگلیس در دادگاه لاهه هیچگونه تصمیمی راجع بکمک اقتصادی به ایران گرفته نخواهد شد و هرگونه کمک اقتصادی به ایران، پس از خاتمه کار لاهه، موکول به قبول حکم این دادگاه از طرف دولت ایران خواهد بود.

این اطلاع رسمی دولت آمریکا دکتر مصدق را پیش از پیش متوحش ساخت، با وساطت سفیر آمریکا مذاکراتی بمنظور حل قضیه نفت قبل از تشکیل دادگاه لاهه بعمل آمد، ولی انگلیسها از لحاظ اطمینانی که بجزریان دادگاه داشتند به پیشرفت این مذاکرات کمکی نکردند و هرگونه مذاکره ای را به بعد از رای دادگاه لاهه معول نمودند.

اینک دولت ایران خود را مجبور بشرکت در جریان دادرسی لاهه دیده است، زیرا قبل از رای این دادگاه هیچگونه راهی برای حل مشکلات فعلی ایران بنظر نمی رسد و عدم قبول رای این دادگاه هم درد ایران را دوا نخواهد کرد، زیرا نه قضیه نفت حل خواهد شد و نه آمریکا به ایران کمک خواهد نمود، بآلتمس انگلستان با اتکاء به رای دیوان لاهه بر فشار اقتصادی خود بایران خواهد افزود و حتی ممکن است برای بدست آوردن تضمینات علمی دریافت غرامت از ایران مجددا بظورای امنیت مراجعه کند.

دکتر مصدق می داند که رای دادگاه لاهه خواه ناخواه در سرنوشت آینده ایران تأثیر کلی خواهد داشت و بهمین جهت کوشش زیادی برای حل قضیه قبل از تشکیل دادگاه بکار خواهد برد، ولی اگر لجاجت و سماجت انگلیسها مانع از انجام مقصود او شد، قصد دارد جدا در جلسات دادگاه شرکت کند و آخرین حد مسامحی خود را برای

اثبات حقانیت ایران و رد صلاحیت دادگاه لاهه در رسیدگی به قضیه نفت بکار برد. دادگاه لاهه سرکب از پانزده قاضی از پانزده کشور مختلف جهان است. قضات مزبور توسط مجمع عمومی سازمان ملل متفق برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند. وظیفه قضات مزبور رسیدگی به اختلافات بین‌المللی بین دول است که پدادگاه رجوع می‌شود، ولی چون اختلافاتی که به دادگاه بین‌المللی رجوع می‌شود بسیار کم و حداکثر سالی یک یا دو موضوع است کار قضات لاهه فقط شرکت در جلسات محدود دادگاه است.

دفتر دادگاه لاهه همیشه برای دریافت شکایات و رسیدگی مقدماتی مفتوح است، ولی چون جلسات رسمی دادگاه ممکن است سالی فقط یکی دو هفته تشکیل شود، قضات دادگاه بین‌المللی، غالباً خارج از لاهه و در کشورهای خود بسر می‌برند. و آنتهایی هم که در لاهه هستند، غالباً کاری جز این ندارند که در کتابخانه معظم دادگاه بنشینند و باهم جروبحث بکنند. کتابخانه دادگاه لاهه دارای ۲۵۰۰۰۰ جلد کتاب راجع به امور قضائی است و دقیق‌ترین اطلاعات راجع به امور قضائی را با مراجعه به این کتابخانه می‌توان بدست آورد.

قضات دادگاه لاهه در مقابل این کار کم، حقوق‌های گزافی دریافت می‌دارند، حقوق سالیانه هر یک از قضات ۷۰۰۰۰۰ ر۷ هفت میلیون فرانک در سال است (تقریباً ماهیانه صد هزار ریال) و رئیس دادگاه سالیانه قریب یک میلیون فرانک بیش از دیگران حقوق می‌گیرد.

قضات دادگاه لاهه در برابن دولت‌های خود مسئولیت ندارند و در رای‌دادن مستقل می‌باشند، بطوریکه یک قاضی می‌تواند بر علیه سیاست دولت خود رای بدهد، ولی باید در نظر داشت که هملا برای قضات دادگاه لاهه استقلال رای نیست و هر یک از قاضی‌ها معمولاً بدستور دولت خود و مطابق سیاست دولت متبوع خود رای می‌دهند.

رئیس دادگاه لاهه طی چند سائله اخیر ژول پسدوان فرانسوی بود. ولی دادگاه لاهه در دوره اجلاسیه اخیر خود دسر آرنولد مک‌نیره قاضی انگلیسی را بریاست انتخاب نمود. انتخاب یک نفر انگلیسی بریاست دادگاه، بخصوص در این موقع که دادگاه لاهه باید به قضیه نفت ایران رسیدگی کند با تمجب زیاد تلقی شد، گرچه در جریان رسیدگی به قضیه نفت ایران ریاست جلسه بسا نایب رئیس دادگاه وگروه نماینده سالوادور خواهد بود.

از پانزده قاضی عضو دادگاه لاهه قضات کشورهای انگلستان، آمریکا، فرانسه، سالوادور، نروژ، برزیل، کانادا، بلژیک و مکزیك با احتمال قریب به یقین بتفع انگلستان رای خواهند داد. روش دکتر «هومو» نماینده چین و زوریسیچ نماینده پرگسلاوی نامعلوم است، ولی با احتمال قوی آنها هم بتفع انگلیسها رای خواهند داد. نماینده هندوستان «سر ینگال رائو» عقیده خود را اعلام نداشت.

ولی بقراریکه در لاهه گفته می‌شود بشرط رجوع به حکمیت به صلاحیت دادگاه

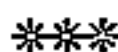
رای خواهد داد.

سه قاضی باقیمانده که دولت ایران به رای آنها امیدوار است عبارتند از گولونسکی نماینده شوروی، بدوی پاشا نماینده مصر و ویشاریسکی نماینده لیبستان. ولی بعید نیست که عبدالحمید بدوی پاشا نماینده مصر این دفعه برخلاف دفعه قبل دادگاه را در رسیدگی به قضیه نفت صالح بشمارد.

دگریلوف، قاضی سابق شوروی در دادگاه لاهه، در جلسه قبلی دادگاه که برای رسیدگی به قضیه نفت ایران تشکیل شد بعنوان کسالت شرکت ننمود!

دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه رسیدگی به مسئله صلاحیت خود را در قضیه نفت ایران شروع کرد. جلسه پرشکوه دادگاه در حضور هزاران نفر از مردمی که از اطراف و اکناف جهان در لاهه گرد آمده‌اند با نطق دکتر مصدق نخست‌وزیر ایران افتتاح شد و جریان رسیدگی تا پایان هفته ادامه خواهد داشت.

د نقل از مطبوعات سیاسی روز،



از مجله امید ایران - اردیبهشت ۱۳۵۸ (محمود تفضلی)

## خاطره‌ای از مصدق در دادگاه لاهه

### مصدق ایرمردی که به نوکری مردم افتخار می‌کرد

و آنچه را در اینجا می‌آورم روایتی است از برادرم «ابوالقاسم تفضلی» که در آن زمان برای گذراندن دکتری حقوق خود در پاریس بود و مانند بسیاری از ایرانیان دیگر که در اروپا بودند برای حضور در جلسات دادگاه بین‌المللی و دیدار با مصدق، قهرمان نهضت ملی ایران به لاهه رفته بود. او می‌گوید:

«وقتی خبر تشکیل جلسه دادگاه (در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۳۱) نشر یافت ایرانیان متیم اروپا و مخصوصاً جوانان و دانشجویان که همه از جریانهای نهضت ملی و ماجراهای ملی شدن نفت به وجد و هیجان آمده بودند و در همه‌جا رفتار و روشی سراقرازانه داشتند کوشیدند خود را به لاهه برسانند و در نخستین جلسه دادگاه که با شرکت خود دکتر مصدق تشکیل می‌شد حضور یابند.

هر ایرانی که برایش امکان داشت و می‌توانست به لاهه آمد و بدینگونه چندصد نفر از ایرانیان که بیشترشان از جوانان و دانشجویان آن زمان بودند در پایتخت هند (لاهی) گردآ شدند و تقاضا کردند در نخستین جلسه دادگاه که مصدق سخن می‌گفت حضور یابند.

دادگاه لاهه در بزرگترین تالار یکی از کاخهای تاریخی و باستانی این شهر تشکیل

می‌شود. در این تالار برای قضات بین‌المللی، طرفین دعوا، وکلای مدافع هر طرف، جماعی مشخص وجود دارد، و تعدادی جا هم برای روزنامه‌نویسان و تماشاگران پیش‌بینی شده است.

بدیهی است برای دعای عادی و معمولی که در این دادگاه مطرح می‌شود و اختلافات بین‌المللی که به این مرجع عالی قضاوت جهانی رجوع می‌گردد، جاهای پیش‌بینی شده که با حساب و توجه به احتمالات و امکانات عادی تعیین شده کاملاً کافی است. اما در ماجرای هیجان‌انگیز و پرهیاهوی ملی شدن نفت ایران و دخل و دخلی رسیده از کمپانی نفت انگلیس وضع بیسابقه و غیرعادی بود. شاید در تاریخ فعالیت‌های دادگاه بین‌المللی لاهه هرگز چنین سابقه‌ای وجود نداشت که اینهمه تماشاگر برای شرکت در جناسات جمع شده باشند و تقاضا کرده باشند. بهمین جهت مسئولان امور اداری دادگاه با مشکل بزرگ نبودن جا روبرو شدند و نمی‌توانستند همه ایرانیان را در جایگاههای داخل تالار دادگاه بپذیرند.

در روز موعود دادگاه با تشریفات خاص خود تشکیل شد. قضات بین‌المللی و وکلای انگلیسی با جامه‌های مخصوص و پرشکوه خود در جایگاه مخصوص قرار گرفتند. وقتی آخرین فرد ایرانی مقیم لاهه هم در تالار جا گرفت مصدق قهرمان درحالی‌که آقایان دکتر شایگان و انتظام (اگر اشتباه نکرده باشیم) زیر بازوان او را گرفته بودند به تالار دادگاه وارد شد.

به هنگام ورود مصدق به جلسه دادگاه همه ایرانیان بپا خاستند و با کف‌زدن‌ها و فریادی شوق‌آمیز و مستند خود چنان استقبالی از او کردند که همه حضار دیگر حتی قضات انگلیسی و بین‌المللی نیز به احترام او بپا خاستند و تا موقعی که او در جایگاه مخصوص خود قرار گرفت همچنان ایستاده بودند.

متن دفاع دکتر مصدق که به مدت بیش از یکساعت به زبان قرآنسه فصیح و بدون کوچکترین وقفه و تاملی بوسیله خود او ایراد می‌شد در روزنامه‌ها و کتابها آمده‌است و در این‌جا جایی ندارد.

اما گفتنی است که پس از پایان این نطق تاریخی وقتی تنفس اعلام شد و دکتر مصدق به تالار انتظار رفت، ایرانیان با ذوق و شوق بسیار برای عرض احترام و گرفتن امضاهای یادگاری در اطرافش گرد آمدند و هجوم آوردند.

همراهان دکتر مصدق به او اصرار می‌کردند که بدتبال خستگی‌های پیش از جلسه و ایراد نطق طولانی و دشوار در جلسه باید استراحت کند اما او می‌گفت نمی‌تواند دیدار و تقاضاهای هموطنانش را که با شور و شوق پسرانش آمده‌اند رد کند. و بعد هم از همه ایرانیان دعوت کرد که همان‌روز عصر به هتل محل اقامتش که در نزد مرکز شهر و نزدیک‌بهای دریا بود بروند و با او چای صرف کنند.

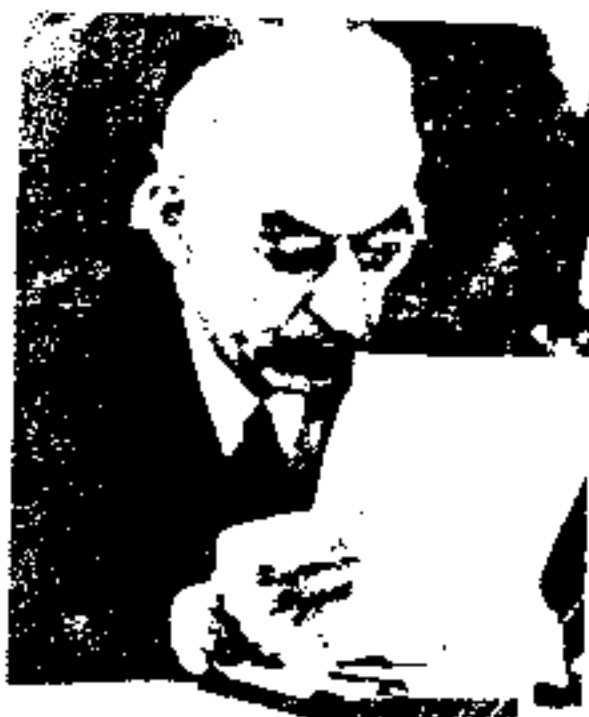
بهنگام این ضیافت سازه چای عصرا نه نیز مصدق مردم‌دوست با یکایک ایرانیان سلام می‌گرفت و حرف می‌زد و همه را به خدمت به وطن و هموطنان توصیه می‌کرد.



بطوریکه نه تنها برای من (راوی) بلکه برای تمام کسانی که آن روز در جلسه تالار دادگاه لاهه و در ضیافت چای مصدق شرکت کردند، علرز رفتار مردمی و انسانی او بیش از خود ماجراهای حقوقی این دادگاه تاریخی اثر داشت و خاطره‌ای فراموشی‌ناپذیر بجا گذاشت...

چنین بود مصدق مردم‌دوست و مردم‌در که به «نوگری مردم» افتخار می‌کرد. و چنین است که خاطره او در دل همه مردمی که او را شناخته‌اند همواره گرم و تازه باقی خواهد ماند. روانش شاد و یاد زنده و ارزنده‌اش گرمی باد.

\*\*\*



دکتر مصدق در دادگاه بین‌المللی لاهه

## (بخش نهم)

### خلاصه‌ی جریان سفر ۲۵ روزه هیئت نمایندگی ایران به آمریکا

۱- روز حرکت ۱۴ مهر - ورود به آمریکا روز ۱۶ مهر

۲- ۱۹ مهر انگلستان قطعنامه‌ی جدید تقدیم شورای امنیت کرد، دکتر فاطمی در جلسه مطبوعاتی خود به خبرنگاران آمریکائی گفت:

«این قطعنامه هم برای ما قابل قبول نخواهد بود. نمایندگان ایران مشغول تنظیم و گردآوری و مدارک و اسناد جهت ارائه به شورای امنیت شده‌اند.

۳- ۲۲ مهر - در جلسه شورای امنیت دکتر مصدق و اللهبیار صالح عدم صلاحیت شورای امنیت را در مسئله‌ی نفت و حقانیت ملت ایران تشریح کردند.

۴- ۲۳ مهر - دکتر مصدق دومین نطق خود را در شورای امنیت از سیاست استعماری و آزادی‌کش انگلستان در ایران پرده برداشت.

۵- ۲۴ مهر - نماینده انگلیس دفاعیات خود را ایراد کرد، سپس دکتر مصدق نطق پرهیجانی ایراد کرد و جنایات شرکت سابق را برملا ساخت.

اسناد مداخله و خیانت شرکت را در دسترس شورا گذاشت.

۶- ۲۵ مهر - شورای امنیت با ۷ رأی موافق و یک رأی مخالف مسئله نفت ایران را مسکوت گذارد.

۷- ۲۹ مهر - دکتر مصدق به دعوت «ترومن» به واشنگتن رفت.

۸- ۳۰ مهر - دکتر مصدق ناهار را با ترومن رئیس جمهور آمریکا صرف کرد.

۹- ۲ آبان - مذاکرات پیرامون نفت ایران در واشنگتن ادامه دارد.

۱۰- ۳ آبان - اولین کنفرانس معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر در

واشنگتن تشکیل شد، دکتر فاطمی گفت:

از نظر ما تغییر دولت انگلیس در کار نفت اثری ندارد و اگر دولت محافظه‌کار در باره‌ی موضوع خرید نفت و غرامت پیشنهادهای بدهنده آنرا مورد بررسی قرار خواهیم داد. «ترومن» ابراز امیدواری کرده که در مذاکرات پیشرفتی حاصل شود.

۱۱- ۱۲ آبان - مذاکره با مقامات مختلف آمریکائی ادامه دارد.

۱۲- ۱۳ آبان - دکتر مصدق طی اعلامیه‌ای متذکر شد که مسئول حادثه اخیر دانشگاه تهران شرکت سابق نفت است.

۱۳- ۱۵ آبان - دکتر فاطمی معاون نخست‌وزیر گفت: هیئت نمایندگی ایران چند روز دیگر در واشنگتن باقی خواهد ماند. دکتر مصدق طی بخشنامه‌ای به نمایندگی های ایران در آمریکا متذکر شد که بایستی مظاهر تمدن ایران را به آمریکائیان نشان داد.

۱۴- ۱۹ آبان - دکتر فاطمی اظهار داشت که آقای دکتر مصدق تصمیم گرفته است روز پنجشنبه به ایران بازگردد. این تصمیم قطعی است مگر آنکه پیشنهادهای جدیدی به ایشان داده شود که احتمال حل و فصل مشکل نفت را دربر داشته باشد. دکتر فاطمی تاکید کرده که در مذاکرات هیئت ایرانی یا مقامات آمریکا چندانی پیشرفتی حاصل نشده است.

۱۵- ۲۱ آبان - وزارت خارجه آمریکا طی اعلامیه‌ای خاطر نشان ساخت دولت آمریکا از حضور دکتر مصدق استفاده کرده و یا ایشان يك مسئله مذاکرایی بعمل آورد و طی آن امکانات شرق حل اختلاف بین ایران و انگلستان را مورد مطالعه قرار داد.

۱۶- ۲۲ آبان - دکتر مصدق در باشگاه روزنامه‌نگاران آمریکا تعلق مهمی ابراز کرد و خاطر نشان ساخت که عدم توجه دول غربی به تمایلات مردم خاورمیانه، صلح و امنیت جهان را به مخاطره خواهد انداخت. نخست‌وزیر همچنین گفت که چون قضیه نفت ایران از طریق مذاکرات حل نشده، یا مواعیدی که مقامات آمریکائی داده‌اند مصمم شدم که از دولت آمریکا وام دریافت کنم، تا از این راه گشایشی در امور اقتصادی ایران فراهم گردد، ولی متأسفانه تاکنون نتیجه‌ای از این اقدام بدست نیامده است.

۱۷- ۲۳ آبان - دکتر فاطمی به خبرنگاران گفت: رئیس جمهور آمریکا اطمینان داد که دولت آمریکا حداکثر کوشش خود را بکار خواهد برد تا به ایران کمک مالی کند.

۱۸- ۲۵ آبان - دکتر فاطمی به خبرنگاران گفت: «ویستون چرچیل» نخست‌وزیر انگلیس مایل نیست به اختلافات ایران و انگلیس بر سر مسئله نفت سرعت پایان داده شود. دکتر فاطمی اضافه کرد: شك نیست دولت سابق کارگری انگلستان بیش از دولت محافظه‌کار کنونی مایل به حل و فصل اختلافات ایران و انگلیس بود.

۱۹- ۲۶ آبان - نخست‌وزیر و همراهان از آمریکا ب‌وی ایران حرکت کردند. دولت مصر از دکتر مصدق و همراهانش دعوت کرده است در بازگشت چند روزی در مصر توقف کنند.

۲۰- ۲۷ آبان - در فرودگاه آمدشردام خلاصه‌ای از سه اصل که روز قبل آمدن درباری حل دوستانه مسئله نفت ایران در پارلمان آنکشور ابراه کرده بود به نخست‌وزیر تسلیم گردید، دکتر فاطمی معاون نخست‌وزیر گفت: قبل از اینکه بتواند بگوید اظهارات آیدن راه امیدی برای حل مسئله نفت باز می‌کند یا نه، باید آنها با دقت مورد مطالعه قرار دهند.

۲۱- ۲۸ آبان - هواپیمای حامل نخست‌وزیر و همراهان در میان شور و هیجان مردم مصر وارد قاهره شد و در مجلس ضیافت نخست‌وزیر مصر که به افتخار نمایندگان ایران داده شده بود شرکت کردند.

۲۲- ۲۹ آبان - شهردار قاهره ضیافت مفصلی به افتخار دکتر مصدق و نمایندگان ایران در قاهره داد.

۲۳- ۱ آذر - دکتر مصدق با همراهان در میان شور و شوق زاهد الوصفی که مردم در تمام مسیر وی از فرودگاه تا خانه‌اش گرد آمده بودند به وطن خود بازگشت.



### مصاحبه‌ی دکتر فاطمی درباره‌ی بیانات آیدن در پارلمان آن کشور

شنبه ۲۹ - آبان ۱۳۳۰

دکتر حسین فاطمی معاون نخست‌وزیر در بازگشت به ایران درباره‌ی بیانات آیدن در پارلمان آن کشور در مورد نفت ایران در قاهره اظهار داشت که حتما متعاقب اظهارات آیدن، چرچیل هم حرفهایی خواهد زد ولی با حرف کار پیش نمی‌رود، عمل باید کرد.

از دکتر فاطمی پرسیده شد: آیا بیانات آیدن نشانه‌ی تغییر سیاست انگلیس می‌باشد؟

دکتر فاطمی پاسخ داد: اصل دومی که آیدن راجع به تقسیم عادلانه منافع بین ایران و انگلیس مطرح کرد سابقا هم مورد نظر انگلستان بوده و تغییری در آن داده نشده است. ایشان اشاره کردند: اگر مقصود آیدن از آنهایی که در پیشرفت دادن منابع نفت ایران شرکت داشته‌اند، شرکت نفت سابق باشد و مدنی گفته او این باشد که شرکت سابق نفت از منافع آینده‌ی شرکت نفت ملی ایران سهم بگیرد، معلوم می‌شود که سیاست انگلیس تغییری نکرده است.

دکتر فاطمی همچنین به اصل اولی که توسط آیدن بیان شده راجع به اینکه شپیت اوضاع اقتصادی ایران با بکار افتادن صنعت نفت بستگی دارد موافق است ولی راجع به اصل دوم اظهار داشت معلوم نیست که مقصود آیدن از جبران خسارت از نتایج ملی شدن نفت ایران چیست، زیرا خسارتی که در آینده به انگلیس خواهد خورد بها

مربوط نیست، وی گفت قبل از اینکه بتواند بگوید اظهارات ایدن راه امید برای حل مسئله نفت باز می‌کند یا نه باید آنها با دقت مورد مطالعه قرار دهد. حسین مکی، درباره‌ی نطق ایدن به خبرگزاری فرانسه گفت: «بعقیده‌ی من در نطق ایدن مطلب تازه‌ای ذکر نشده است.»

## نخستین مصاحبه‌ی دکتر فاطمی پس از بازگشت از سفر آمریکا

شنبه ۲۰م آذر ۱۳۳۰ - امروز ساعت ۱۲:۵۵ دکتر حسین فاطمی معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر پس از هفت هفته برای اولین بار در کاخ ایض با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه‌ای ترتیب داد و به پرسش‌های خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت که به اختصار چنین است: ۱- در بازگشت از سفر آمریکا و دیدار کوتاهی از مصر، احساساتی که مصریها نشان دادند بقدری صمیمانه و برادرانه بود که خود مصریها می‌گفتند در تاریخ سی‌چهار سال اخیر هرگز یک چنین احساساتی آنهم نسبت به رئیس یک دولت دیگر که میان دولت مصر باشد سابقه نداشته است. ۲- در مورد انتخابات دکتر فاطمی گفت: نظر دولت اینست که تمام دستگاههای دولتی از هرگونه مداخله از کلی و جزئی برحذر نگاهدارد و مخصوصاً قوای تأمینیه مسلکت اعم از ارتش و ژاندارسری و شهرپانی و همچنین مأمورین وزارت کشور از استنادارده، فرماندار، بخشدار جزئی‌ترین مداخله در کار انتخابات که حق مشروع و مسلم افراد مسلکت است جداً و اکیداً خودداری کنند.

دکتر مصدق که ۶۰ سال برای آزادی‌های فردی و اجتماعی ملت ایران مبارزه کرده است برای نخستین بار که مردم ایران فرصت ابراز عقیده درباره منتخبین خود پیدا می‌کنند، دولت تمام کوشش خود را مصروف به تأمین این آزادی خواهد کرد.

سپس دکتر فاطمی درباره مشکلات اقتصادی دولت گفت اینها بیشتر جنبه افراتی دارد، باید دانست تأمین استقلال و حق حاکمیت یک ملت برای ملل دیگر یا دادن قریانیهای بی‌شمار حاصل شده بود، خوشبختانه در آلر حسن تشخیص، در مدت شش ماه در آن مرحله‌ی مشکل و حساس بوضعیتی رسیده‌ایم که امروز صاحب خانه خسودمان هستیم، برای ریختن یک شالوده‌ی نو که آخال ملت ایران است کاملاً تأمین کند آینده اکنون در دست ماست و باید با همان وحدت و اتفافی که وجود داشت کاری کنیم که بر مشکلات بتوانیم غالب بشویم.

## (بخش دهم)

### دعوت «نعاس پاشا» از دکتر مصدق در بازگشت به مصر

دکتر مصدق بهنگام بازگشت بولتن از نیویورک، پیامی از «نعاس پاشا» نخست-وزیر آنروز مصر دریافت داشت که در بازگشت بر سر راه خود از قاهره دیدن کند تا مجدداً با ملاقات کنند.



از آنجا که «نعاس پاشا» یکی از رجال ضد سلطه‌ی خارجی و میهن‌پرست مصری بود و طبعی آزاده و سباز داشت، این پیشنهاد وی مورد قبول دکتر مصدق قرار گرفت در نتیجه بهنگام بازگشت هواپیمای مصدق در قاهره توقف کوتاهی داشت، از آنجا که

دکتر مصدق بعزت مقرر طولانی و فشار سنگین فعالیت‌های سیاسی در نیویورک خسته و رنجور بود، در فرودگاه مراسم رسمی خیلی به اختصار برگزار شد و بعمل استراحتگاه خود راهنمایی گردید که بلافاصله «نحاس پاشا» پدیدنش رفت، این عکس که از محل اقامتگاه دکتر مصدق در قاهره برداشته شده، دکتر مصدق خسته از مسافرت هوایی و کسالت جسمی به اصرار نحاس پاشا روی تخت به استراحت پرداخت و آندو مدتی بزبان فرانسو یا یکدیگر بصحبت پرداختند.

باید افزود که حکومت میانه‌رو و ملی نحاس پاشا بعکس حکومت دکتر مصدق که جای خود را به رژیم خودکامه و قارو شاه داد جای خود را به افسران میهن‌پرست و افراطی به رهبری ژنرال محمد نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر داد.

مفسران و تحلیل‌گران سیاسی خاورمیانه همواره به این نکته تاکید داشته و دارند که قیام میهن‌پرستان مصری، وقایع بعدی عراق، سوریه، الجزایر، لیبی، یمن، سودان و برخی نهضت‌های دیگر خاورمیانه، همگی متأثر از حوادث قیام ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق بوده است (آنها که در سالهای ۱۳۳۲ به بعد از این کشورها دیدن کرده‌اند، بخوبی می‌دانند که تا چه حد نام «مصدق» در میان نهضت‌های ملی این کشورها مورد احترام و علاقه بوده است).

«آنتونی آیدن» وزیر خارجه‌ی وقت انگلستان در کتاب خاطرات خود نوشته است «نگرانی انگلستان از نهضت ملی ایران بیشتر از آنجهت بود که این آتش به دیگر نقاط خاورمیانه که در اختیار استعمارگران غربی قرار داشته سرایت کند» ما هملا دیدیم که همینطور هم شد، چه چنک و کانال سوئز بین مصر و انگلستان و نبرد مصر و اسرائیل ناشی از همین احساسات تند میهنی مصریان علیه خارجیان بود.

در پایان اضافه می‌کند که «نحاس پاشا» بخاطر آنکه همسوس متهم به ریختن از سوء استفاده‌های مالی شده بود از طرف انقلابیون مصری تحت تعقیب قرار گرفت.

سرنوشت ایندو (زماندار) با یکدیگر این تفاوت را داشت که «مصدق» بخاطر ملی ساختن صنعت نفت در کشور خود بدست عمال خسارچی و بدستور سیاستهای استعمارگر انگلیسی و آمریکائی به زندان می‌افتاد و «نحاس پاشا» بعلمتی که گفته شد بدست افسران نامیونالیست مصری.

## نامه سرکشاده يك روزنامه مصری به آقای دکتر مصدق

حضرت مجاهد با اراده آقای محمد مصدق رئیس حکومت ایران...

ای مرد بزرگ، چهارصد میلیون عرب و مسلمان در مشرق و مغرب کرهٔ ارض، وقتی شنیدند شما آن تصمیم مهم تاریخی را دایرهٔ برپهٔ ایران با آن دولت استعماری گرفته‌اید، غرق شادی و شفق شدند.

شما با دولتی قطع رابطه کردید که می‌خواهد ایران مانند گاو شیرده برای غیر ملت ایران باشد، می‌خواهد ملت بزرگ ایران را مبدل به یک عده کارگر و فلاح فقیر سازد که همه در راه امپراطوری زحمت یکشند؛ آن امپراتوری که در احوار گذشته، خورشید از سرزمین‌های مسروقهٔ او غروب نمی‌کرد!

آقای دکتر مصدق، شما لایق می‌دانید که ارتباط میان یک دولت غاصب و یک ملت منصور، در منطبق سیاستمدارانی که یکشور خود خبیانت می‌کنند، جز با خنجرهای مسومی که در تاریکی شب و روشنایی روز یکبار می‌برند، مقدور نیست!

چند ماه پیش که نهضت تاریخی مقاومت ملی مصریان در منطقهٔ کانال سوئز آغاز شد، صدای بیست میلیون مصری بلند شد که همه خواهان قطع رابطهٔ سیاسی و اقتصادی با دولتی بودند که مثل کابوس وحشتناک روی سینّه‌های ما افتاده بود!

حکومت وقت در آن موقع قدمهای مؤثری در این راه برداشت و حتی نزدیک بود که با دشمنان کشور، اعلام قطع رابطه کند.

در این موقع خیانتکاران از تاریکی بیرون آمدند و سروکلهٔ «حافظ عقیقی» آخرین وزیر دربار فاروق پیدا شد و در گوش شاه وسوسه کرد تا پمپتش درحالی که با دشمن مشغول پیکار بود، از پشت خنجر فرو کند!

فاروق به حرف آن وحشی درنده: «حافظ عقیقی» گوش داد و فرمان ملوکانه خود را دایرهٔ به آتش زدن قاهره و اعلان حکومت نظامی و دستگیری فدائیان مصری صادر کرد. فاروق با نهضت ملت خود مخالفت کرد و مقاومت او را درهم شکست و رابطه مصر را با دشمنی که مثل کابوس بر سینّهٔ او فشار می‌آورد، ادامه داد.

ای دشمن استعمار و ای دوست ملت و ای رهبر آیندهٔ درخشان کشور دوست ما ایران... اقدام تاریخی شما که بموجب آن نمایندهٔ دشمنان سیاسی شما پتارج از کشورتان پرتاب شده، حد فاصلی بود میان سیاست خیانتکارانی که دیرزمانی بر ایوان حکومت کردند، و سیاست شما که دارای تمام خصائص سیاست وطنپرستان علاقمند به کشورشان می‌باشد.



سیاست خائنین نزدیک بود ایران را در چنگال چنگ و استعمار بینگند ولی سیاست شما ایران را بگروه صلح و آزادی و مجموعه ملی نزدیک کرد که پس از یک خواب طولانی، اینک بیدار شده‌اند و دیگری نمی‌خواهند زیر بار استعمار بروند...  
ای سیاستمدار جلیل و کاروان...

مصر جهاد شما را مبارک و میمون می‌داند و معتقد است که ایران نقطه تمرکزی خواهد بود که چراغ آزادی برای روشن ساختن سراسر خاورمیانه یا نیکی و حقیقت و زیبایی، از آن نیرو خواهد گرفت.

ایران خاورمیانه را از عبودیت استعمار و استثمار نجات خواهد داد خاورمیانه را محل زندگی کسانی خواهد ساخت که در کار خود صمیمی و صادق باشد نه محل زندگی خائنین و طفلیسمهاتی که بحساب ملت زندگی می‌کنند.

ای آقای جلیل‌القدر، تقدیرات عظیم ملت مصر و احترامات و تمنیات صادقانه او را بپذیر...

## (بخش یازدهم)

### قطع رابطه سیاسی با انگلستان توسط دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه

#### (برقراری مالیاتی در انگلستان بنام مالیات آبادان)

مهرماه ۱۳۳۱ - دکتر فاطمی پس از بهبود در هفته اول مهر ماه بوطن بازگشت، چند بار از نخست‌وزیر دیدار کرد، ویرا از جو سیاسی نامطلوبی که انگلیسی‌ها در اروپا و مطبوعات آنکشورها علیه ایران بوجود آورده بودند آگاه ساخت، دکتر مصدق بخاطر تحریکات مختلفی که دولت انگلستان چه در خارج از کشور و چه در داخل، توسط عوامل سفارت (برخی از وکلاء و سناتورها و روزنامه‌نگاران و غیره) رهبری می‌کردند، به این نتیجه رسید که امکان سازش بهیچ نحو با دولت انگلیس و حتی شرکت نفت سابق وجود ندارد، دولت انگلستان می‌کوشید با فریبکاری و پیام فرستادن‌ها و اعزام هیئت‌های مختلف بین‌المللی و غیره از گذشت زمان و هرچه دشوارتر شدن وضع اقتصادی ایران و استفاده از عوامل مخالف داخلی، چه دست‌پچی‌ها و دست‌راستی‌ها (امثال جمال امامی و غیره) و دربار عرصه را بر دولت دکتر مصدق تنگتر ساخته ویرا ناگزیر به امتناع سازد. در این لحظات بحرانی دکتر مصدق و یارانش تصمیم به قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان گرفتند که «حسین نوابه» وزیر خارجه وقت که آن روحیه مستقل اعضای جبهه ملی را نداشت و تحت تأثیر سیاستهای غربی قرار داشت زیر بار آن نرفت. دکتر مصدق ناگزیر شد ویرا از گایبته خارج سازد و دکتر حسین فاطمی را بعنوان وزیر خارجه معرفی کند.

مهرماه ۱۳۳۱ - در نیمه اول سال ۱۳۳۱ ایادی داخلی سفارت و مطبوعات وابسته به انگلیس و دیپلماتهای انگلیسی مقیم ایران از هرتوح دسیسه و توطئه، حتی در ایجاد بلوا و آشوب در تهران و شهرستانها خودداری نمی‌کردند، دولت دکتر مصدق